

# مبانی نظری موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی<sup>۱</sup>

ترجمه علی فاتح<sup>۲</sup>

طرح بحث در زمینه نقش موافقتنامه‌های بین‌المللی در پیشبرد تجارت بین‌المللی از جمله موضوعات روز به شمار می‌آید. در این زمینه، بررسی ابعاد حقوقی به همراه قرار دادن آنها در قالب نظریه‌های روابط بین‌الملل به فهم دقیق‌تر موضوع کمک می‌نماید. همچنین چگونگی تطبیق الگوهای اقتصادی-سیاسی موجود در مورد همکاری تجاری درباره تشکیل نهادها در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی از نظریات مطروحه در فرآیند مذاکرات موافقتنامه‌های بین‌المللی برای طرفین سودمند خواهد بود.

چکیده

## واژگان کلیدی

موافقتنامه‌های بین‌المللی، تجارت بین‌المللی، نظریه‌های نهادها، همکاری و منافع

طبقه‌بندی JEL: F13, K33, O17, O19

۱- این مبحث ترجمه بخش "طراحی موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی" از گزارش سازمان جهانی تجارت سال ۲۰۰۷ است: WTO, *World Trade Report 2007; Six decades of multilateral trade cooperation: What have we learnt?* Geneva: WTO Publication.

۲- کارشناس ارشد دفتر نمایندگی تام‌الاجتبار تجاری

## (۱) مقدمه‌ای درباره نقش نهادها

امضاء کنندگان موافقتنامه‌های تجاری نوعاً برخی اختیارات را به یک نماینده مستقل که به نظر یک رکن بیطرف و بین‌المللی است تفویض می‌کنند که در هدایت روابط تجاری از خود امضاء کنندگان کارآمدتر می‌باشند. ما با بحث در زمینه چگونگی تناسب نظریه‌های مربوط به موافقتنامه‌های تجاری و نظریه‌های نهادی آغاز می‌کنیم. اقتصاددانانی که بر هدف موافقتنامه‌های تجاری تأکید کرده‌اند، عمدتاً به دلایل نیاز به وجود نهادها پرداخته‌اند. لازم است بین تطبیق الگوهای (اقتصادی-سیاسی) موجود در مورد همکاری‌های تجاری و تبیین‌های موجود درباره تشکیل نهادها سازش برقرار کنیم. این الگوها می‌توانند برای شناسایی طیفی از کارکردهای یک نهاد مستقل اداره‌کننده امور تجاری یعنی کارکردهایی از قبیل حفظ دانش، بایگانی، ارائه کمک‌های پژوهشی و تجاری، گردآوری و توزیع اطلاعات، مجمعی برای مذاکره، میانجیگری، تسهیل‌کنندگی، نظارت و حل اختلاف بسط و گسترش یابند.

علاوه بر این، از منظر روابط بین‌الملل نهادها رسمی می‌توانند چیزی بیش از یک مکان برای همکاری بین‌المللی یا تسهیل منفعلانه تجارت باشند. نهادها به عنوان نمایندگان فعال و مستقل در نظام بین‌المللی نیز می‌توانند به انتظارات شکل داده و به موجب آن بر رفتار اعضاء تأثیرگذار باشند. آنها می‌توانند به ایجاد مبنایی برای مذاکرات تجاری منظم و سازنده کمک کنند و فعالانه همکاری را مدیریت نمایند. همچنین نهادها چندجانبه بر روابط مسالمت‌آمیز بین کشورها نظارت نموده و بر اساس آن شرایط کلی را برای مبادلات سودبخش از طریق تجارت ایجاد کنند.

### ۱-۱) انطباق نظریه‌های مربوط به موافقتنامه‌های تجاری با نظریه‌های مربوط به نهادها

تقریباً تا این اواخر، علم اقتصاد توجه اندکی به مقررات و نهادها بین‌المللی برای اجرای سیاست‌های تجاری مبدول می‌نمود (Staiger, 1995) ولی با آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، رویکردهای مختلف در ادبیات موافقتنامه‌های تجاری از تحلیل‌های مضیق درباره انگیزه‌های حاکم بر ترجیحات سیاست تجاری فراتر رفته و بیشتر بر موضوعاتی از قبیل دلایل انعقاد موافقتنامه‌های تجاری، تعهدات ماهوی و سازوکارهای اجرایی تمرکز نمودند. تاکنون برای یکپارچه ساختن فعالیت‌ها در این حوزه‌های گوناگون تلاش اندکی انجام گرفته است. الگوهایی که بر علل انعقاد موافقتنامه‌های تجاری تمرکز دارند، بیشتر «فارغ از مسأله نهاد» هستند یعنی این که آنها چیزی برای ارائه در زمینه نقش یک طرف ثالث مستقل در موافقتنامه‌های تجاری ندارند. در مقابل، الگوهایی که بر نیاز به نهادها در تجارت رسمی تأکید دارند در اغلب موارد در ایجاد یک پیوند صریح و نظام‌مند با علل انعقاد موافقتنامه‌های

۱- منظور از اصطلاح «نهاد» در اینجا، اشاره به یک رکن رسمی نهادی است. توجه نمایید که اساتید و علمای روابط بین‌الملل و حقوقدانان بین‌المللی گاهی اوقات این اصطلاح را به شکل متفاوتی بکار می‌برند. نهاد می‌تواند به معنای رژیم، نظام سیاسی یا یک ماده قانونی هم باشد.

حاکم بر نهادها ناتوان می‌باشند.

در این قسمت و قسمت بعدی نشان خواهیم داد که چگونه نظریه‌های مربوط به موافقتنامه‌های تجاری و نظریه‌های مربوط به نهادهای تجاری می‌توانند با هم سازش یابند و مباحث مرتبط را بررسی خواهیم کرد. ایجاد سازش بین رویکردهای تحلیلی درباره منطق انعقاد موافقتنامه‌های تجاری و منطق تشکیل نهادهای تجاری کار ساده‌ای نیست؛ چرا که نظریه‌های مربوط به موافقتنامه‌های تجاری به دلایل تشکیل یک نهاد پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> بیشتر مدل‌ها یا الگوهای صوری همکاری تجاری مبتنی بر مجموعه‌ای از فرضیات ساده می‌باشند. برخی از این فرضیه‌ها را به طور خلاصه در ذیل ملاحظه می‌کنیم:

### عمده‌ترین فرضیه‌های مورد استفاده در الگوهای معطوف به آثار خارجی همکاری تجاری<sup>۲</sup>

الگوهای صوری همکاری تجاری (حداقل در ساده‌ترین شکل خود) مجموعه فرضیات ساده زیر را دربر دارند:<sup>۳</sup>

#### فرضیه (۱) ساختار بازی:

«بازی تجاری» به عنوان یک معمای زندانی دائماً تکراری بین بازیگران دارای قدرت برابر صورت بندی می‌شود (Bagwell and Staiger, 2002: 40).<sup>۴</sup>

#### فرضیه (۲) حداکثر بازدارندگی متقابل:

همکاری از طریق «بیم چکاندن ماشه ترسناک» حفظ می‌شود. طرفین به طور متقابل یکدیگر را تهدید می‌کنند که هرگونه قصور را با توقف نامعین همکاری و بازگشت به عدم همکاری (حمایت‌گرایی) مجازات می‌کنند.

#### فرضیه (۳) اوضاع و احوال ثابت و تغییرناپذیر (ثابت ماندن محیط):

اوضاع و احوال خارجی (بیرونی) در سراسر مرحله توافق، غیرقابل تغییر فرض می‌شوند. الگوها در رویکرد خود نسبت به تجارت غیر پویا هستند؛ انتظار نمی‌رود که تغییری در شرایط محیطی، از قبیل ابداعات فناورانه، تکنانه‌های عرضه و تقاضا یا فشار گروه‌های دارای منافع خاص روی دهند.

۱- نظریات اقتصادی فرض‌هایی را مطرح کرده‌اند که نقش نهادهای تجاری را بدین دلیل که هدف آنها تأکید بر منطق موافقتنامه‌هاست، کاهش می‌دهد. مقصود از این کار راحتی در تجزیه و تحلیل در مقابل این باور راسخ است که می‌گوید نهادها اهمیتی ندارند.

2- Externality- models of trade cooperation

۳- توجه نمایید که این فرض نه بر انگیزه همکاری تجاری، بلکه تنها بر پیامد خارجی همان‌طور که در بخش ب، و زیر بخش‌های ۲، الف و ب، بررسی شدند، تأکید می‌کنند. (پی نوشت بالا را ببینید.)

۴- به اجماع غالب در ادبیات بحث توجه می‌کنند که «موافقتنامه‌های تجاری می‌توانند رسماً (صریحاً) با استفاده از نظریه بازی‌های مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.» این موضوع، بی‌شک در مکاتب فکری شرایط تجارت و پیامدهای خارجی سیاسی که بر معمای زندانی به عنوان منطق و مبانی اصلی همکاری استوار است اعمال می‌شود. برای مثال رک، به:

- Bagwell and Staiger, 1999a, 2002; and Ethier, 2004, 2006.

#### فرضیه (۴) اطلاعات متقارن:

همه بازیگران (تصمیم‌گیرندگان سیاست تجاری) اطلاعات مشابهی را در زمان مذاکرات و در هر مرحله از بازی در اختیار دارند. اطلاعات مربوط به محیط، سیاست‌های تجاری، اهداف و مقاصد اعضا فوراً به اطلاع همه طرف‌ها می‌رسد.

#### فرضیه (۵) عقلانیت:

همه «بازیگران» (یعنی مذاکره‌کنندگان) از عقلانیت و تیزبینی کامل برخوردارند. آنها کاملاً آینده‌نگر و به دنبال بیشینه‌سازی خودخواهانه مطلوبیت هستند.<sup>۱</sup>

#### فرضیه (۶) بدون هزینه معامله:

مذاکرات، جریان تجارت و اختلافات، بی‌هزینه و بدون اصطکاک هستند.<sup>۲</sup> بر اساس اکثر فرضیه‌های بکار برده شده در مطالب فوق، الگوهای ساده‌ بررسی شده در فصل سوم نمی‌توانند وجود یک نهاد را توجیه کنند.<sup>۳</sup> برای مثال، رویکرد رابطه مبادله در مورد موافقتنامه‌های تجاری که در قسمت ۱-۲-۳ مطرح شد را در نظر بگیرید؛ در آن موافقتنامه‌های چندجانبه به عنوان یک معمای زندانی دائماً تکراری بین بازیگران (متقارن) دارای قدرت برابر صورت‌بندی می‌شوند. کاهش متقابل تعرفه‌ها از طریق این تهدید متقابل که هرگونه قراردادی با عقب کشیدن کامل و فوری از همکاری تلافی خواهد شد. این تلافی به اصطلاح «چکاندن ماشه ترسناک» در مقابل انحراف خوانده می‌شود.<sup>۴</sup> چنین الگو یا ساختاری اگرچه برای نشان دادن منطق همکاری تجاری (غلبه بر مشکل فرصت‌طلبانه) سودمند است، ولی سه پیامد مهم را در پی دارد: نخست، به یک موافقتنامه تجاری بین‌المللی به عنوان آنچه که می‌تواند یک «قرارداد کاملاً کارآمد» نامیده شود، نگرسته می‌شود. این قرارداد کاملی است که همه منافع ممکن از تجارت را در بردارد و

۱- هزینه‌های معامله و هزینه‌های زندگی واقعی تعامل بین بازیگران (اینجا: مذاکرات تجاری). در معنای دقیق‌تر، حضور هزینه‌های معاملاتی یک فرض اضافی نیست بلکه نسبتاً نتیجه ترکیب عقلانیت نامحدود و محیط است. اما به هر حال، در برخورد با هزینه‌های معاملاتی به عنوان یک فرض مستقل چیزی از دست نمی‌رود.

۲- اجرای موافقتنامه‌های تجاری در بخش ۵.۵ در ذیل بحث می‌شود.

۳- باید خاطر نشان ساخت که همه فرض بالا (۱-۶) برای نیل به این نتیجه لازم هستند. برخی از الگوهای رسمی که در آن بازیگران یک راهبرد مجازاتی متفاوت از راهبرد حداکثری ماشه ترسناک را توسعه داده‌اند با شرایط متغیری مواجه شده‌اند یا اطلاعات خصوصی در اختیار دارند. مقالاتی از این دست چنین فرض می‌کنند که بازیگران قادر به هماهنگی کافی در خصوص پیامد موازنه اقتصادی بدون استفاده از کمک خارجی نهادها می‌باشند.

۴- یک قرارداد کاملاً کارآمد به عنوان یک قرارداد «کامل» یا «تاحدی کامل» در این حوزه شناخته شده و معروف است. قراردادی از این دست، توصیف کاملی از وضعیت محتمل طبیعت ارائه می‌کند و به طور دقیق و جزئی همه حقوق و تعهدات هر طرف متعاقد را از قبیل مجموعه ابزارهای سیاسی که طرفین می‌توانند یا نمی‌توانند استفاده کنند، تبیین می‌نماید. یک قرارداد کاملاً کارآمد همه منافع ممکن حاصل از تجارت را در بردارد - این بهترین و نخستین قرارداد منعقد بین طرفین است. رک. به:

- Shavell, 1980.

از اینرو هرگز نیازی به تغییر، بازنگری، اصلاح یا مذاکره مجدد ندارد. یک موافقتنامه متضمن وجود یک تعادل مذاکراتی با ثبات و پایدار است که هرگز نیازی به مذاکره مجدد ندارد.

دوم، بر این اساس که موافقتنامه اولیه هم کامل و هم ثابت است، هیچ انحراف یا هیچ مجازات و تلافی روی نمی‌دهد به این دلیل است که بر اساس اجرای ماشه ترسناک، طرفین معقول تنها در صورتی از آن روی بر می‌گردانند که منافع موسوم به «بزن در رویی» آنها (عواید ناشی از یکبار حمایت به خاطر سایر طرفین) بیشتر از سود مجموع کل همکاری دایمی باشد. از اینرو، با داشتن «بیم چکاندن ماشه ترسناک» زمانی که موافقتنامه منعقد می‌شود انحراف از شرایط آن معقول نیست و بدین خاطر این امر هرگز روی نمی‌دهد. به عبارت دیگر، جایی برای اختلاف نظر و اختلافات تجاری وجود نخواهد داشت. در نتیجه، نه طرفین و نه یک نهاد مستقل باید با آنها کاری داشته باشند.<sup>۱</sup>

سوم، همکاری تجاری به صورت «توازن درونی مذاکراتی» پدیدار می‌شود. قرارداد یک توافق ضمنی است (Dixit, 1981) که بدون کمک خارجی یک طرف ثالث منعقد و حفظ می‌شود. در نتیجه، جایی برای یک نهاد وجود ندارد. یک دبیرخانه یا هیأت مدیره هزینه‌بردارست و سودی به دنبال ندارد. بنابراین، نظریه‌های اقتصادی در ابتدایی‌ترین شکل خود به نقایصی که ممکن است طی مرحله انعقاد قرارداد (یعنی قبل از امضای قرارداد) و طی مرحله اجرای موافقتنامه تجاری روی دهد توجه نمایند.<sup>۲</sup> ولی افراط بیش از حد در مورد نهادها در این چارچوب با این حقیقت که نهادهای رسمی وجود دارند، نادرست جلوه داده می‌شود. از نظر اقتصادی به یک نهاد به عنوان یک پیامد متوازن بازی با تعامل راهبردی نگریسته می‌شود (North, 1990). این بدان معناست که نه حضور یک نهاد، بلکه پیامد یک الگوی تعامل باید فرض شود. از اینرو، نهاد بخشی از پیامدهای ممکن چانه‌زنی یا توازن است و به این دلیل که به دول متعاهد منابع مجزایی ارائه می‌کند که به شکل دیگری قابل جمع‌آوری نبوده‌اند انتخاب می‌شود (Calvert, 1995; Schotter, 1981). به عبارت دیگر، به دلیل این که نهادها برای ایجاد و حفظ شدن پر هزینه هستند وجود و حضور آنها باید به جای وضع موجود، سطح بالاتری از رفاه را برای امضاءکنندگان ارائه کند. الگوهای نهادها، نقایصی را که ایجاد یک سازمان رسمی می‌تواند بر آن غلبه کند یا حداقل آن را کاهش دهد مد نظر قرار می‌دهد. سازگاری نظریه‌های موافقتنامه‌های تجاری با نظریه‌های نهادهای تجاری مستلزم یک رویکرد نظام‌مند و سازمان یافته است. ضمن باقی ماندن در محدوده منطق آثار خارجی موافقتنامه‌های تجاری، اکنون به بررسی این

۱- اگر اختلافات تجاری در واقعیت روی دهند، آنها همان خرابی و نقص نظام هستند.

۲- برای اطمینان، ادعای شرایط تجارت رسماً از نسخه ساده معرفی شده در بخش ب فراتر رفته است. این تنها رویکردی است که به طور رسمی با هدف موافقتنامه‌های تجاری و بحث مقررات و تعهدات موافقتنامه تجاری ارتباط دارد. ولی الگوی «اسب بارکش» موافقتنامه‌های تجاری به طور رسمی به عنوان محرک نهادهای رسمی توسعه و بسط نیافته است.

امر می‌پردازیم که چگونه این چارچوب می‌تواند به منظور توضیح نیاز به نهادها با موفقیت اصلاح شود. اگر چه تلاش برای گنجاندن و ترکیب آنها در یک قالب واحد مشکل است، ولی به نظر می‌رسد به عنوان گام نخست در پیوند دادن نهادها به منطق همکاری تجاری سودمند باشد.

## ۲-۱) توسعه و بسط الگوهای سنتی همکاری: اقتصاد نهادها در موافقتنامه‌های تجاری مبتنی بر آثار خارجی.

نهادهای تجاری می‌توانند در تسهیل مذاکرات، بسط شفافیت و فیصله اختلافات تجاری نقش داشته باشند.

## ۲-۱-۱) حضور هزینه‌های معاملاتی: نهاد به عنوان مجمع مذاکراتی، منتشرکننده اطلاعات و تسهیل‌کننده تجارت

«هزینه‌های معاملاتی» به عنوان یک اصطلاح کلی در این جا برای کلیه هزینه‌های زندگی واقعی که دولت‌ها باید در زمانی که در موضوعات تجاری در عرصه بین‌المللی همکاری می‌کنند متحمل شوند، به کار برده می‌شود.<sup>۱</sup> چنین هزینه‌هایی شامل هزینه‌های طبقه‌بندی و جستجو، هزینه‌های گردآوری اطلاعات، هزینه‌های چانه‌زنی و نیز هزینه‌های تدافعی، اجرایی و سیاست‌گذاری می‌باشد. با مفروض دانستن کارکرد نهاد به عنوان مجمعی برای مذاکره، حل اختلاف و منتشرکننده اطلاعات و تسهیل‌کننده تجارت، نهاد هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهد.

### ۲-۱-۱-۱) نهاد به عنوان مجمعی برای مذاکرات و اختلافات

در طی ادوار تجاری پیش رو یا در طی مذاکرات با نامزدهای الحاق، هزینه‌های معاملاتی از اهمیت برخوردارند. هزینه‌ها شامل گردآوری داده‌های تجاری و اطلاعات نهادی در مورد شرکای تجاری (بالقوه)، جلسه‌ها و چانه‌زنی با شرکای ذیربط تا زمان نیل به اجماع، ارزیابی نکات مهم و شکل‌گیری توافق می‌باشد. یک مجمع مذاکراتی مرکزی که در آن طرفین می‌توانند گردهم جمع شوند و به تبادل اطلاعات بپردازند، مذاکره کرده و تصمیم‌گیری نمایند مقرون به صرفه است و باعث افزایش کارایی می‌شود. در این راستا، نهادها می‌توانند به کاهش هزینه‌های معاملاتی مرتبط با اختلافات و دعاوی تجاری کمک کنند. از آنجایی که اختلافات تجاری (مذاکرات مجدد پس از شکست یکجانبه) تلاش پرهزینه‌ای است، برای مثال لودما (Ludema, 2001) مدعی یک رکن واحد می‌باشد، یعنی به جای ملزم بودن به انجام مذاکرات مجدد و طرح دعاوی دوجانبه در یک مجمع چندجانبه و بر طبق شیوه‌های متفاوت (به اصطلاح «خریدن مجمع»)، معقول آن است که به آن اختلافات به شیوه‌ای

۱- نخستین فعالیت‌ها در مورد هزینه‌های معاملاتی مربوط می‌شود به:

Coase, 1937; Williamson (1979; 1975)

متمم‌کننده رسیدگی شود.

### ۲-۱-۱) نهاد به عنوان حافظ اطلاعات

زمانی که هزینه‌های معاملاتی مد نظر قرار می‌گیرند نقش دوم نهادهای تجاری مستقل پدیدار می‌شود. مطابق با رویکرد ادبیات روابط بین‌الملل که نهادگرایی نولیبرال نامیده می‌شود، باید نسبت به نقش اطلاعاتی نهاد توجه زیادی مبذول شود. نهاد با فعالیت به عنوان یک «حافظه نهادی» که اطلاعات مهم را ذخیره، بایگانی، ویرایش، فرآوری و منتشر می‌کند، هزینه‌ها معاملاتی را کاهش داده و شفافیت را افزایش می‌دهد.<sup>۱</sup> تولید و فرآوری این اطلاعات حیاتی می‌تواند برای هر کشور تنهایی بسیار پر هزینه باشد؛ حتی اگر این موضوع مدنظر نباشد و اعضاء بتوانند رأساً داده‌های مشابهی را استخراج نمایند، دوباره کاری غیر ضروری اتفاق می‌افتد. از اینرو، سازمان به اعضایش کمک می‌کند تا با ارائه اطلاعات صحیح و به موقع در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند. علاوه بر حمایت از مذاکرات و اختلافات تجاری در جریان بین دولت‌ها، سازمان می‌تواند به کشورهای غیر عضو نیز اطلاعات ارائه کند.

### ۳-۱-۲) نهاد به عنوان تسهیل‌کننده تجارت

«گشودن اسناد و کتب» برای عوامل غیردولتی نه تنها ادعاهای بخش خصوصی را برای مطلع ماندن از فعالیت‌های حکومتی توجیه می‌کند، بلکه علاوه بر ارائه اطلاعات به بازیگران اقتصادی می‌تواند هزینه‌های معاملاتی تجارت بین‌المللی را از طریق ارائه کمک‌های فنی کاهش دهد. با توضیح و تشریح مضامین موافقتنامه تجاری برای ذینفع‌های متعدد (مأموران گمرک، واردکنندگان، صادرکنندگان، مصرف‌کنندگان، اتاق‌های بازرگانی، اتحادیه‌های صنعتی و غیره) در کشورهای امضاکننده، سازمان می‌تواند به شکل مؤثری به عنوان تسهیل‌کننده تجارت عمل نماید. برای مثال، اطلاعات و تحلیل‌ها می‌تواند از طریق انتشار بر روی اینترنت، همایش‌ها و سمینارهای عمومی منتقل شود. نهاد با حذف هزینه‌های معاملاتی تجارت بین‌المللی، به این شیوه در شکل‌گیری سرمایه انسانی مشارکت و همچنین کاهش قیمت کالاها و خدمات را ترویج خواهد نمود.

### ۲-۲) طرح فرضیه اجرایی «ماشه ترسناک»: نهاد به عنوان واسطه و آشتی‌دهنده در ستکار

بسیاری از الگوهای رسمی همکاری تجاری فرض می‌کنند که اقدام علیه تخلفات قراردادی،

۱- نهادها اطلاعات مربوط به اعضاء، بخش‌ها و فرآیندهای چندجانبه و مقررات مذاکرات جاری و دعاوی مطروحه را گردآوری و در دسترس قرار می‌دهند. از اینرو، سازمان‌ها علاوه بر فعالیت‌هایی از قبیل ترجمه به طور مستمر داده‌های پشتیبان را تهیه می‌نمایند و مواضع مذاکراتی را به منظور ارائه مبنایی برای مذاکرات بعدی خلاصه می‌کنند.

حاوی بالاترین مجازات ممکن یعنی همان راهبرد ماشه ترسناک اجرایی است. (برخی نویسندگان این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا بروز یک عیب یا نقص در یک لحظه واقعاً به شکست و خرابی کامل سیستم منجر می‌شود یا خیر. به این جهت، فرضیه فوق‌الذکر (۲) را به چالش می‌کشند. ادعا این است که تهدید قربانی به توقف همکاری برای همیشه، معتبر نمی‌باشد. راهبرد ماشه ترسناک برای اجرا و پذیرش بسیار پرهزینه است. با بازگشت به حمایت‌گرایی، قربانی مجازات‌کننده (مجازات‌گر) عواید قابل توجهی از تجارت بین‌المللی کسب می‌نماید. از اینرو، کشور قربانی انگیزه‌های برای بازگشت به میز مذاکرات به منظور دسترسی به منافع همکاری آتی دارد (Downs) (And Rocke, 1995; Klimenko et al., 2002; Furusawa, 1999). با علم به این موضوع، طرفین ممکن است برای انحراف از شرایط موافقتنامه اولیه به امید این که چنین رفتاری منجر به جنگ تجاری نمی‌شود انگیزه‌های در اختیار داشته باشند. به منظور ممانعت از این نوع رفتار فرصت‌طلبانه و پویایی مخربی که ممکن است به دنبال داشته باشد<sup>۲</sup>، به یک «نهاد قانونی خارجی» بیطرف، به عنوان یک «سازش‌دهنده» یا «واسطه در ستکار» (Thompson and Snidal, 2005) در هر زمان که قصوری از شرایط موافقتنامه اولیه روی دهد، می‌توان اختیاراتی را اعطاء نمود. کلیمنکو و دیگران (Klimenko et al., 2002) نشان می‌دهند که به این رکن بیطرف باید اختیار صدور رأی تفویض شود و این که طرفین نباید بتوانند بر رأی آن نفوذ ناروایی اعمال کنند.<sup>۳</sup> فیصله اختلافات با تأخیر و هزینه‌های زمانی (از دست دادن همکاری) انجام می‌شود که طرفین نمی‌توانند آن را کنترل کنند. اگر چه رکن فیصله اختلافات عملاً قدرت اجرایی نسبت به کشورها ندارد، ولی توانایی آن برای تأخیر در رسیدگی و تحمیل هزینه‌ها (از قبل نامشخص) بر هر دو طرف می‌تواند به عنوان یک مجازات معتبر عمل کند.<sup>۴</sup> نهاد به عنوان یک سازش‌دهنده، طرفین را مجبور می‌کند تا همکاری سودمند مختل نشده را جایگزین اختلافات پرهزینه تجاری نمایند. بنابراین، صرف

۱- تعداد اندکی از الگوهای رسمی در اینجا می‌توانند به عنوان استثناء محسوب شوند. رک. به: Ethier, 2001; Rosendorff, 2005; Rosendorff and Milner, 2001; Herzing, 2004; and Bagwell and Staiger, 2005a. برخی الگوها احتمال قیود فرار را فرض می‌کنند؛ یعنی قواعد متقارن در جایی که انحراف لحظه‌ای به خاطر دلایل استثنایی تحمل می‌شود. رک. به زیربخش ۴ در ذیل بحث تقارن.

۲- توجه نمایید که اگر واکنش ماشه ترسناک یک تهدید غیر معتبر باشد، راهبرد غالب برای همه کشورها می‌تواند (تاحدی) دفاع از موافقتنامه اولیه باشد. این امر می‌تواند از انعقاد قرارداد در مرحله نخست جلوگیری نماید.

۳- برای اطمینان، ضرورتاً لازم نیست که حل و فصل اختلافات توسط یک نهاد رسمی فیصله اختلافات انجام شود. سایر امضاء کنندگان موافقتنامه که در اختلاف درگیر نیستند و بر این اساس که مستقل و بیطرف هستند می‌توانند این کار را عهده‌دار شوند. اما به هر حال، در یک مجموعه بازی تکراری با تعداد محدودی بازیگر، بیطرفی می‌تواند از دست دادن زمان قلمداد شود.

۴- در این الگو و در نبود یک رکن بیطرف، کشورها همان‌طور که همواره قواعد اعاده همکاری را سریعاً مورد مذاکره مجدد قرار می‌دهند، ولی به همان سرعت اختلافات بین خود را حل و فصل نمی‌نمایند. در نوشتار نویسندگان «اجرای بیرونی دقیقاً ارزشمند است؛ چرا که کشورها قادر به حفظ پارامترهای فرآیند اجرائی نیستند.» (Klimenko et al., 2002: 4). کشورها همواره به وضع قبلی خود باز می‌گردند. نویسندگان رویکردهایی را که صریحاً بین پیامدهای مذاکراتی با پیشینه گزینه‌های سیاست ارتباط دارند، رد می‌کنند. آنها نسبت به فرض قدرت چانه‌زنی کاهش یافته کشور مد نظر یا وجود مجموعه‌های کوچکتری از موافقتنامه‌های ممکن تردید دارند. (برای مثال، همان‌طور که توسط Ludema, 2001 فرض شد). آنها مدعی هستند که قدرت چانه‌زنی یک نامتغیر تاریخی است و این که تنها فیصله مستقل اختلافات به وضعیت کشورها در موافقتنامه‌ها و سیاست‌های آتی در مورد اقدامات گذشته کمک خواهد نمود.



حضور یک مأمور بیطرف فیصله اختلافات، به طرفین دعوا پیشاپیش انگیزه‌ای نسبت به (رعایت و اعمال) تعهدات نزاکتی ارائه می‌کند.<sup>۱</sup> رابرت کوهن (Robert Keohane, 1984) همچنین ارتباط سناریوی مجازات ماشه ترسناک را در بازی‌های تکراری به چالش می‌کشد. هرچه تجارت موفق به مدت طولانی صورت گیرد، انتظارات امضاءکنندگان برآورده خواهد شد. زمانی که بازیگران به یکدیگر اعتماد دارند اقدام متقابل (که مشخصه آن حمایت اقتضایی و امکان برابری در تلافی و جبران می‌باشد) می‌تواند به نحو مؤثری جایگزین واکنش‌های فوق شود. یک نهاد بیطرف حل و فصل اختلاف می‌تواند به نیل و حفظ آن اعتماد در نظام کمک کند.

### ۳-۲-۱) وجود اطلاعات متقارن: نهاد به‌عنوان توزیع‌کننده و ناظر اطلاعات

وجود اطلاعات خصوصی (متقارن) عامل دیگری است که نقشی را برای یک سازمان تجاری مستقل ایجاد می‌کند. در این مورد نهاد به عنوان ارائه‌کننده اطلاعات و یک عامل برای نظارت و سرپرستی فعالیت می‌کند. گاهی اوقات کشورها از تعهدات خود بر اساس «شرایط و اوضاع و احوال خاص» که در یک موافقتنامه پیش‌بینی شده است، شانه خالی می‌کنند (مواد ۱۹، ۲۰ و ۲۱ گات می‌تواند نمونه‌هایی در زمینه اقتضائات تجاری باشد). اما به هر حال، در مقابل فرضیه اطلاعات متقارن موجود در الگوهای همکاری تجارت سنتی (به فرضیه شماره ۴ مندرج در بالا نگاه کنید) طرفین غالباً به نحو متقارنی در مورد این که آیا این دسته از اوضاع و احوال خاص واقعاً روی داده‌اند و این که آنها تا چه اندازه توجیه‌کننده عدم اجرای موقتی تعهدات می‌باشند، مطلع می‌شوند. در صورتی که طرف مربوطه از این شانس برخوردار باشد که مورد تحقیق و بررسی قرار نگیرد، رفتار فرصت‌طلبانه‌ای روی می‌دهد (Copeland, 1990). این طرف در مقایسه با طرف‌هایی که تحت تأثیر این اقدام قرار گرفته‌اند، بهتر مطلع خواهد شد. برای دسته اخیر، ارزیابی دقیق این امر که حادثه یا اتفاق مورد ادعا (مثلاً بحران تراز پرداخت‌ها) روی داده است یا خیر و در صورت مثبت بودن آیا در قالب یک استثنای معتبر موافقتنامه تلقی می‌گردد یا خیر، امری مشکل یا غیرممکن خواهد بود. اطلاعات خصوصی در مورد شرایط محتمل الوقوع می‌تواند منتهی به تدلیس راهبردی و در نتیجه بروز اختلافاتی گردد که

۱- ارزش فرآیند رسیدگی قضایی طولانی (و البته پرهزینه) در اختلافات تجاری نیز البته بنا به دلایل متفاوت برگرفته از این اثر (Ethier, 2001 and Reinhardt, 2000) است. هر دو نویسنده نهاد را به جای یک عامل، یک ابزار می‌دانند. اتیه فرض می‌کند که طرفین قادر به مجازات سریع یک عمل ناقض مقررات هستند، ولی در اعمال و انتخاب این گزینه تأخیر می‌کنند. شیوه‌های طولانی یک فضا بدون مجازات (فرار موقتی) را در زمانی که یک ناقض می‌تواند به طور عملی موافقتنامه را بدون مجازات نقض کند، ایجاد می‌نماید. رابندهارت تفاهتنامه فیصله اختلافات را به عنوان سازوکاری به منظور حفظ عدم قطعیت دوجانبه در مورد قدرت اجرایی واقعی نهاد قلمداد می‌کند. به دلیل این عدم قطعیت، شیوه رسیدگی طولانی قضایی (هزینه‌های بالای معاملاتی) این شانس را که اختلافات بین‌المللی با تشریک مساعی در قالب یک فیصله مرضی طرفین پایان یابد، افزایش می‌دهد. از آنجا که نبود قطعیت در مورد تصمیم‌گیری باعث می‌شود تا طرفین زودتر و براساس روابط موجود مبتنی بر قدرت اختلافات خود را فیصله دهند، رسیدگی و تصمیم‌گیری سریع به طور متقابل سریع است. در مقابل، متفکرین دیگری (Ludema, 2001 and Kovenock and Thursby, 1992) مدعی هستند که رسیدگی‌های طولانی، ناکارآمدی (مضار) فیصله اختلافات به شمار می‌آید.

می‌تواند در صورت اقدام تلافی‌جویانه متقابل کشورها از کنترل خارج شود. با وجود اطلاعات متقارن و به دنبال آن خطر تدلیس راهبردی واقعیت توسط طرفی که بهتر مطلع شده است، رکن بیطرف حل و فصل اختلاف می‌تواند از طریق فعالیت به عنوان منتشرکننده اطلاعات شفافیت بیشتری را وارد نظام کند. طرفین زمانی که از نقض قرارداد (موافقتنامه) مطلع می‌شوند می‌توانند ادعاهای خود را طرح کنند. از اینرو، نهاد مورد نظر اجرای توافقات مذاکره شده را از طریق ارائه اطلاعات مرتبط به طرفین تسهیل می‌نماید.<sup>۱</sup> مرتبط‌ترین نقش به نقش نهاد به عنوان توزیع‌کننده اطلاعات، نقش نظارت بر امور تجاری است. طرف‌های بالقوه متضرر که نسبت به نظارت شدن توسط یک سنگ‌نگهبان تجاری آگاه باشند کمتر منحرف خواهند شد. نهاد می‌تواند با حذف انحرافات در مقابل قواعد مرضی‌الطرفین تجاری در ایجاد یک محیط باثبات در تجارت بین‌المللی ایفای نقش نماید. نهادها با عدم تشویق انحرافات، به تسهیل مذاکرات آزادسازی و کاهش تقارن‌های قدرت در بین طرف‌ها تمایل دارند (Bagwell and Staiger, 2002: 39).

#### ۴-۲-۱) موافقتنامه‌های تجاری به عنوان قراردادهای ناتمام: نهاد به عنوان گروه آورنده اطلاعات

##### فیصله‌دهنده، داور و حافظ فعال قواعد بازی

این موضوع به طور مکرر خاطر نشان شده است که موافقتنامه‌های تجاری قراردادهای ناتمام هستند.<sup>۲</sup> اگر فرض یک محیط لایتغیر (و از اینرو ایجاد قطعیتی کامل در مورد حوادث آتی) پذیرفته شود، (فرضیه سوم در بخش قبل) عدم قطعیت در مورد اقتضائات آتی مبین ناتمام بودن قرارداد خواهد بود. روش شناسی ارائه شده توسط باتیگالی و مگی (Battigalli and Maggi, 2002) و هورن (Horn et al., 2005, 2006) نشان می‌دهد که در یک دنیای پویا، برای متعاهدین معقول و کارآمد است که عامدانه در موافقتنامه تجاری یکجانبه خلاءهای قراردادی را اعمال کنند و از تهیه یک قرارداد کاملاً مشروط خودداری کنند. در این شیوه، دولت‌ها عدم قطعیت نسبت به شرایط آتی در جهان و

۱- برای تجزیه و تحلیل بیشتر در مورد گردآوری اطلاعات و نقش انتقالی یک نهاد در اختلافات تجاری ر.ک. به:

- Maggi, 1999; Kovenock and Thursby, 1992; Hungerford, 1991; Ozden, 2001; Büttler and Hauser, 2002 and Bagwell and Staiger, 2002, Chapter 6.

نقش نهادها به عنوان ارائه‌کننده اطلاعات به طرفین غیرمطلع در زمینه اقتصاد نهادی، نقش نهادی مدت زمان طولانی است که تأیید و تصدیق شده است. ادبیات مربوط به حقوق تجارت برای مثال، نظام میانجیگری بیطرف را در قالب‌های تجاری (سوداگری) در ایتالیا قرون وسطی توضیح داده و تبیین می‌کند. قانون تجارت به عنوان ارائه‌کننده اطلاعات به تجار و بازرگانانی (مشخصاً براساس اعتبار طرف مقابل) که با آنها قبلاً آشنایی نداشته‌اند عمل می‌کردند. به این خاطر، آنها از همکاری از طریق تسهیل استفاده از یک سازوکار شهرت دوجانبه و اجرای چندجانبه حمایت می‌کردند. برای مثال ر.ک. به:

- Milgrom et al., 1990, Greif et al., 1994

۲- ر.ک. به:

- Dunoff and Trachtman, 1999; Downs and Roche, 1995; Rosendorff and Milner, 2001; Ethier, 2001; Rosendorff Hauser and Roitinger, 2004; Horn et al., 2006.

به نظر نویسندگان، موافقتنامه‌های تجاری را می‌توان «قراردادهای منطقی ناقص» نامید. هزینه‌های معاملاتی ذریبط در پژوهش، نگارش و چانه‌زنی در خصوص تعهدات معاهداتی و ابزارهای مجاز سیاستی براساس طیف وسیعی از شرایط محیطی ممکن، به طرز ساده‌ای مانع روند تکمیل قراردادی می‌شوند. هزینه‌های مربوطه عواید و منافع بالقوه حاصل از تجارت را بی‌اثر می‌سازد. این موضوع نوعاً در مورد قراردادهای پیچیده موضوعیت دارد که مبین تعداد زیادی از تقارن‌های دارای احتمال کم و طیف گسترده‌ای از واکنش‌های ممکن به چنین رویدادهایی است. نقش عمده اثر زیر این است که نویسندگان عدم قطعیت قراردادی را در رویدادهای آتی - و در نتیجه نقض قرارداد - بدون دست برداشتن از فرض عقلانیت تسری می‌دهند. حتی طرفین منطقی نیز آن را برای فرض، ارزیابی و نوشتن جزئیات احتمالی که در آینده ممکن است ارائه شود بسیار مشکل می‌دانند (Horn et al., 2005, 2006).

واکنش‌های سیاسی محتمل را که می‌تواند مطلوب باشد می‌پذیرند.<sup>۱</sup> برای مثال، ابهامات موجود در متن می‌تواند به ناکارآمدی، سوء برداشت، اختلافات و احتمالاً نیاز به مذاکره (های) مجدد منتهی شود. در حالی که بر طبق بخش فرعی شماره ۳ در بالا، نهاد به عنوان یک واسطه اطلاعاتی عمل کرده و تقارن‌های اطلاعاتی را در نظام متعادل می‌سازد، ولی در اینجا بحث متفاوت است. هر زمان که قرارداد ناقص و ناتمام است، از یک نهاد مستقل می‌توان خواست تا به طور فعالانه اطلاعات را گردآوری کند (نه صرفاً آن را منتشر کند). به علاوه، از آنجایی که همه نهاد‌های مرتبط پیش‌بینی نشده‌اند، یک فیصله‌دهنده مستقل می‌تواند به تفسیر قرارداد به شیوه‌ای برابر با آنچه که همه متعاهدین خواستار آن هستند (تا زمانی که یک راه‌حل مذاکره شده جدیدی حاصل نشده است) و وضعیت را آنگونه که پیش‌بینی کرده بودند پردازد. زمانی که ناتمام بودن قرارداد با ارائه خصوصی اطلاعات همراه می‌شود نهاد می‌تواند به عنوان داور و محاسبه‌کننده ضررها (خسارات) نیز عمل کند. اگر عدم قطعیت نسبت به آینده از طریق تعدیل فرض عقلانیت کامل مذاکره‌کننده تجاری مجاز شمرده شود، کارکرد دیگر نهاد که حفاظت از قواعد بازی است آشکار می‌شود.

#### ۱-۴-۲-۱) نیاز به یک گردآورنده اطلاعات

چنانکه در بخش فرعی فوق نقش نهاد به عنوان دریافت‌کننده و منتشرکننده اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت، در صورتی که فرض وجود یک محیط لایتغیر پذیرفته شود (و نیز قطعیت کامل نسبت به رویدادهای آتی) یک رکن بیطرف می‌تواند به عنوان یک گردآورنده فعال اطلاعات عمل نماید. مثال‌هایی از فیصله اختلافات را ملاحظه نمایید.

هانگرفورد (Hungerford, 1991) عدم قطعیت نسبت به رویدادهای آینده را به عنوان مداخله تصادفی تأثیرات تقاضا معرفی می‌کند. اطلاعات متقارن به صورت موانع غیرقابل مشاهده غیر تعرفه‌ای نمایان می‌شود. در یک محیط قراردادی، جایی که تکانه‌ها جریان تجارت را با اختلال مواجه می‌کند، ولی هر طرف نیز دلیلی برای اعمال موانع غیر تعرفه‌ای دارد، نهاد به عنوان یک رکن مستقل فیصله اختلاف می‌تواند با ارائه اطلاعاتی در مورد ماهیت واقعی نتایج بررسی شده به اعضا کمک نماید. همچنین می‌تواند این امر را احراز کند که آیا در واقع یک تکانه خارجی روی داده است یا خیر (در واکنش به موانع غیر تعرفه‌ای که ممکن است به طور قانونی اتخاذ شده است) یا این که اعضای مربوطه در مقابل، یک مانع غیر تعرفه‌ای ممنوعه را اتخاذ کرده‌اند (Kovenock and Thursby, 1992: 167).

۱- عدم قطعیت نسبت به تقارن‌های آینده غالباً با اطلاعات خصوصی همراه است. در عالم واقع، تقارن‌های پیش‌بینی نشده قبلی به‌طور خصوصی برای برخی طرفین آشکار می‌شود (این امر باعث حذف فرض (۴) بالا می‌شود).

۲- نقش مشابهی را به فیصله مستقل اختلافات، به عنوان «بزاری که بین انحرافات واقعی و ادراکات نادرستی که باعث وقوع چنین انحرافی شده است تفکیک قایل می‌شود»، منتسب می‌کنند. اما به هر حال، همانند هانگرفورد (Hungerford, 1991)، نویسندگان مشخص نمی‌کنند که یک رکن بیطرف چگونه می‌تواند استخراج اطلاعات را مدیریت کند و چرا این کار را می‌تواند بهتر از طرفین ذیربط انجام دهد.

در آن صورت، گردآورنده اطلاعات به محدودسازی مجازات‌های نامطلوب (غیرمنصفانه) از طریق ارائه ادله مهم برای آن دسته از طرفینی که تحت تأثیر آن اقدام قرار گرفته‌اند کمک می‌کند. این امر از ورود نظام به یک جنگ تجاری تلافی‌جویانه جلوگیری می‌کند و از تعهدات اولیه آزادسازی حفاظت می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۲-۴-۲) نیاز به یک داور و محاسبه‌کننده میزان احکام پرداخت خسارات

در صورت عدم قطعیت و اطلاعات متقارن، یک نهاد می‌تواند نقش دیگری ایفاء کند. رویدادهای پیش‌بینی نشده می‌تواند باعث شود که یک طرف موافقتنامه با تصویب و اتخاذ یک سیاست داخلی مناسب، خود را با شرایط جدید منطبق نماید (بگویم یک اقدام سالم یا افزایش تعرفه). این نوع سیاست تجاری مشروع یا نامشروع باعث بروز آثار مخربی بر طرفین مربوطه خواهد شد (Sykes, 1991; Ethier, 2001). اگر این دسته اخیر همواره قادر بود تا به بررسی وقوع شرایطی بپردازد که باعث می‌شود که یک طرف به بررسی آثار اقدامی که در پاسخ به عملی اتخاذ کرده مبادرت نماید، آنها در واقع از قبل در خصوص مجازات توافق کرده‌اند. اگر این قاعده ساده مجازات رعایت شود، اجرای چنین قرار موقتی الزاماً مستلزم وجود یک رکن مستقل حل و فصل اختلافات نمی‌باشد.<sup>۲</sup> هنوز تعدادی از نویسندگان برای نهاد حتی در صورتی که همه طرف‌ها آگاهی مشابهی در مورد رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی در اختیار داشته باشند، با ذکر این ادعا که مجازات نهایی می‌تواند تنها در آینده تعیین شود، نقشی قایل هستند و از اینرو، مداخله یک موجودیت بیطرف را الزامی می‌دانند.<sup>۳</sup> در عمل، ضرر وارده به دلیل سیاست‌های تجاری کشورها نمی‌تواند بدون ابهام ارزیابی شود. برخی نویسندگان مدعی هستند که اندازه و حجم ضررهای تجاری وارده غالباً برای قربانیان اطلاعات خصوصی قلمداد می‌شود. هم شرایط منتهی به انحراف موقتی و هم نتایج ضررها تا حدی توسط کلیه طرف‌ها قابل بررسی نمی‌باشد. (Herzing, 2004; Bagwell and Staiger, 2005a). طرفین تحت تأثیر یک اقدام در زمینه ضرر وارده اغراق می‌کنند. اختلافاتی در خصوص ضرر ادعایی و میزان پرداختی خسارت وجود دارد. با وجود اطلاعات متقارن و مشوق‌هایی برای قلب واقعیت، یک رکن بیطرف باید بین طرفین اختلاف داوری کند و ضررهای

۱ - طرفین اگر در مجازات به دلیل تطابق با تکانه‌های خارجی خطر نکنند، تاحدی نسبت به ارائه تعهدات آزادسازی تجاری ناممکن علاقه‌مند هستند. بدین سان، در صورتی که یک رکن بیطرف از سایر طرفین محافظت نکند قربانیان بالقوه (متضرر) تاحد زیادی تعهدات بیشتری را متقبل می‌شوند.

۲ - به عبارت دیگر، یک قید فرار غیرمشروط در مذاکرات موافقتنامه تجاری بروز می‌نماید. هم احتمال واکنش متعطف نسبت به تکانه‌های سیاسی و اقتصادی و هم پرداخت داوطلبانه خسارات به دلیل آسیب‌های به وجود آمده به عنوان پیامد مذاکراتی نمود پیدا می‌کند.

۳- این اثر (Ethier, 2001) رسیدگی طولانی مدت به فیصله اختلافات را تعیین و مشخص می‌کند. روسندورف سطح کافی از عدم قطعیت را به عنوان مسیر تصمیم‌گیری به منظور تضمین هزینه‌های خاص که ناشی از استفاده از قید فرار است، الزامی می‌داند. این الزام به میزان زیادی به جای محتوای اقتصادی به دلیل موانع ریاضی است. ر.ک. به:

واقعی ناشی از یک اقدام را محاسبه کند.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۲-۱) نیاز به فیصله‌دهنده (داور)

در زمان مذاکرات مربوط به طرح فیصله اختلاف، مذاکره‌کنندگان می‌دانند که همه اقتضائات آتی را نمی‌توانند پیش‌بینی کنند. از اینرو، شرایطی را ایجاد می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد تا به طور کافی به واکنش و پاسخگویی نسبت به شرایط غیرقابل پیش‌بینی از قبل بپردازند. نخست، همان‌گونه که در بالا بحث شد مقررات سویاپ اطمینان به طرفین اجازه می‌دهد تا به واکنش به شرایط غیرقابل پیش‌بینی مبادرت نمایند که غالباً برای عملیاتی شدن مشکل هستند. در بسیاری از موارد روشن نیست که آیا نقضی روی داده است یا خیر و این که رویداد در قالب یک شرط قرار می‌گیرد و یا این که تدابیر و اقدامات سیاستی خاص، مفاد موافقتنامه را نقض می‌کند یا خیر. ثانیاً، علاوه بر خلاءهای کارایی ایجاد شده توسط قواعد قراردادی، معاهدات می‌توانند حاوی خلاءهای غیر مخرب باشند (Mavroidis, 2007; Ethier, 2001; Lawrence, 2003; MacLeod, 2006).

طرفین ممکن است در هنگام انجام مذاکرات مربوط به قراردادهای پیچیده، اشتباهاتی را مرتکب شوند: جزئیات مهم و کلیدی را حذف کنند، شروط متناقضی بنویسند یا آثار پویای مقررات خود را فراموش کنند. به علاوه، متعاهدین می‌توانند در مورد اصطلاحات «ضرر و آسیب جدی»، «تحولات غیرقابل پیش‌بینی»، «کالاهاى مشابه» یا «حداکثر تلاش» توافق کنند. برخی ممکن است مدعی باشند که هر جا طرفین خلاءهای قراردادی را گنجانده‌اند (از جمله وقتی که آنها از زبان مبهم استفاده می‌کنند) آنها عاقلانه عمل نمی‌کنند (همان‌طور که در الگوهای نظریه موافقتنامه‌های تجاری پیش‌بینی شده است - فرضیه چهارم فوق‌الذکر). از این نظر، یک رکن مستقل می‌تواند همواره ملزم به فیصله اختلافات یا مذاکره مجدد بین طرفین باشد، اما تیروئل (Tirole, 1994) نسبت به ترک فرض عقلانیت در وجود یک نظریه «عقلانیت محدود شده» هشدار می‌دهد. نویسنده مدعی است که نظریه عقلانیت محدود شده و اشتباه انسانی باید بتواند مشخص کند که چه زمانی اشتباهی رخ داده، چرا رخ داده و عواقب آن چیست. وی رویکرد «بروز اشتباهات» را به دلیل خودسرانه و غیر علمی بودن رد می‌کند.<sup>۲</sup>

۱ - جالب است که در این اثر (Kaplow and Shavell, 1996) درمی‌یابند که یک داور مستقل لازم نیست که بیطرف باشد. از آنجایی که قضاوت وی اساساً مغرضانه نیست، حکم و تصمیم سازمان برای طرفین قابل قبول است (همچنین ر.ک. به: Rosendorff, 2005). بیشتر الگوها تفکیکی بین جبران‌های اجرایی دوطرفه (داوطلبانه) خسارات و اقدامات تلافی‌جویانه چندجانبه قائل نیستند. برای مطالعه یک استثنای مشهور ر.ک. به: Bown, 2002.

۲ - Maskin and Tirole, 1999.

ر.ک. به:

اما به هر حال، علمای حقوق و اقتصاد به طور متناوب این توصیه را نادیده گرفته‌اند. آنها آن را به عنوان یک «مبنا» قلمداد کرده‌اند که طرفین متعاهد مرتباً اشتباهاتی را در زمان مذاکرات مربوط به قراردادها مرتکب می‌شوند و این که یک نهاد رسیدگی قضایی برای کمک به آنها در جبران هر وضعیت ناخواسته وجود دارد. این عقیده با مقداری موفقیت، درصدد ارزیابی راهبردهای دادگاهی برای کمک به طرفین در ادامه روابط قراردادی آنها (به اصطلاح قراردادهای منطقی) است. اما متأسفانه تنها تعداد اندکی از نویسندگان تاکنون به قراردادهای بین‌المللی (معاهدات) از این منظر نگریسته‌اند. ر.ک. به:

- Bhandari and Sykes, 1998; Dunoff and Trachtman, 1999; Posner, 1988.

هورن و دیگران (Horn et al., 2005, 2006) نقش نهادهای فیصله‌دهنده را حتی بدون رد قالب کلی عقلانیت می‌پذیرد. بنابراین، همانند دو بخش قبلی، بر اساس فرضیه عدم قطعیت و اطلاعات متقارن، متعاهدین نسبت به عدم توانایی خود در نگارش یک قرارداد کامل آگاه هستند. امضاءکنندگان می‌دانند که قرارداد نمی‌تواند به طور کتبی اجرا شود؛ چرا که متن کاملاً معادل آنچه که واقعاً می‌خواهند نیست. متعاهدین همچنین نسبت به این واقعیت واقف هستند که اطلاعات خصوصی باعث تدلیس راهبردی حقیقت و رفتار فرصت‌طلبانه می‌گردد. وجود عدم قطعیت و اطلاعات خصوصی باعث ایجاد ظرفیت‌های بالقوه برای اختلافات می‌شود که می‌تواند به دو شیوه مورد بررسی قرار گیرد. طرفین نسبت به مخالفت با وضعیت واقعی جهان و اعمال آن نسبت به قرارداد توافق دارند. طرف متضرر (که می‌تواند قربانی حقیقی باشد یا خیر) می‌تواند در خصوص اتخاذ تدابیر متقابل و تلافی جویانه که معمولاً از آن به عنوان عدالت انتقامی یا سازوکار کمک به خود یاد می‌شود تصمیم‌گیری کند. اگر طرف مذکور متقاعد شود که تدابیر و اقدامات اولیه منطبق با توافق اولیه بوده است و احساس نماید که به اشتباه متهم و مجازات شده، ممکن است دست به اقدامات تلافی جویانه بزند. اختلاف ممکن است منجر به کاهش چرخه اقدامات متقابل شود و به شکل یک جنگ تجاری خاتمه یابد (Schwartz and Sykes, 2002). در مقابل، متعاهدین عاقل (اگر مجدداً مذاکره نکنند) ممکن است بخواهند تا نسبت به فیصله اختلافات مربوط به تبعیت و رعایت تعهدات یک رکن فیصله اختلافات تفاوت وجود داشته باشد و نسبت به پذیرش قواعد آن متعهد باشند. تفاسیر ارائه شده توسط چنین نهادی می‌تواند به عنوان یک رویه و رهنمود عام برای آینده پذیرفته شود.

#### ۴-۲-۱) نهاد به عنوان یک عامل سرپرستی، نظارت و حافظ قواعد

اگر عدم قطعیت نسبت به آینده با پذیرش فرض‌هایی از محیط و عقلانیت کامل مذاکره‌کنندگان تجاری مجاز باشد، هنوز نقش دیگری برای نهاد تحت عنوان حافظ قواعد بازی باقی است. دولت‌ها با وجود عدم قطعیت نسبت به آینده می‌توانند متعهد به مذاکره در خصوص جزئیات توافق تجاری در پشت حجاب غفلت باشند.<sup>۱</sup> از آنجایی که هیچ طرفی با عدم قطعیت موضوع خود را کنار نخواهد گذاشت، حجاب غفلت متعاهدین را تشویق می‌کند تا موافقتنامه تجاری بنویسند که حاوی رفاه کلی همه امضاءکنندگان باشد (Ethier, 2001; Sykes, 1991). بر اساس تأثیر این موضوع، موافقتنامه تجاری از قبل برای هر شرکت‌کننده منصفانه و کارآمد فرض خواهد شد. امضاءکنندگان خواهان اعطای نقش حافظ قواعد بازی از قبل توافق شده به نهاد خواهند بود. سازمان به عنوان یک سازوکار

۱ - حجاب غفلت بدین معناست که طرفین متعهد آینده توزیع عواید و ضررهای ناشی از موافقتنامه اولیه را با قطعیت نمی‌دانند. مذاکرات بین امضاءکنندگان یک موافقتنامه تجاری در غفلت از (۱) هویت کشورهای ملحق‌شونده آتی، (۲) اهمیت اقتصادی کشور در آینده دور، (۳) نقش طرفین متعهد در اختلافات تجاری آینده و (۴) عموماً چگونگی تأثیر تقارن‌های آتی بر رفاه سیاسی و اقتصادی امضاءکنندگان انجام می‌گیرد.

نظارتی عمل می‌کند که می‌تواند به شکل مؤثری کشورها را از بی‌توجهی و غفلت نسبت به توافق اولیه در زمانی که حجاب غفلت برداشته می‌شود و واقعیت برای همگان آشکار می‌گردد منع نماید. همه طرفین اساساً می‌دانند که چه موضعی دارند و چه چیزی حاوی بهترین منافع آنهاست؛ از اینرو ممکن است نسبت به مفاد اولیه موافقتنامه افسوس بخورند. در صورت فشار شدید بازیگران تأثیرگذار اقتصادی و سیاسی برای مذاکره مجدد یا تغییر موافقتنامه، با لحاظ منافع طرفین اولیه است که نهاد برای تضمین تعهدات مستمر برای محیط مذاکراتی قواعد از قبل توافق شده رهنمون شود. با رعایت شیوه‌های مستمر، اسناد و مهلت‌های زمانی، نهاد می‌تواند در حفظ محیط ایستا و حفظ حقوق مالکیت در طی ادعاهای مذاکراتی دسترسی به بازار نقش ایفاء کند. نقش حفاظت از قواعد که بر عهده نهاد است اعتماد نسبت به نظام را حفظ خواهد کرد. از سوی دیگر، ادوار آزادسازی مستمر را تشویق و تسهیل می‌سازد. در مقابل به طرفین تعهد نهادی نسبت به محیط مذاکراتی قاعده محور که باعث کاهش فزاینده هزینه معاملاتی مذاکرات شده است و کشورهای ضعیف‌تر را برای غلبه بر ترس از استثمار و بهره‌کشی توسط شرکای تجاری قوی‌تر تشویق می‌کند و در مذاکرات شرکت می‌کنند ارائه می‌نماید (Bagwell and Staiger, 2002: 69).

#### ۱-۲-۵) خلاصه: علم اقتصاد نهادها

الگوهای سنتی سیاست اقتصادی موافقتنامه‌های تجاری نقشی را به یک سازمان رسمی مستقل اعطاء می‌کند. زمانی که ویژگی‌های زندگی واقعی تجارت جهانی با تقویت الگوهای رسمی مبتنی بر پرونگرایی مد نظر قرار می‌گیرد، کارکردهای مهم و متنوع برای نهادهای تجاری پدیدار می‌شود. آنها می‌توانند شفافیت را تقویت نمایند و به عنوان یک مجمع مذاکراتی عمل کنند و به فیصله اختلافات تجاری کمک نمایند. بنابراین، مذاکره‌کنندگان تجاری ممکن است نسبت به اعطای مسئولیت و اختیارات عمده به یک سازمان بین‌المللی تمایل پیدا کنند.

#### ۱-۲-۳) رویکردهای غیراقتصادی نسبت به نهادهای رسمی

زیربخش قبلی با کشف عقلانیت اقتصادی و رای ایجاد یک سازمان رسمی با حمایت یک موافقتنامه تجاری ارتباط داشت. ملاحظات کارامدی، مرحله اصلی در تشریح وجود یک طرف بیطرف برای پیش‌بینی امور تجارت بین‌المللی به حساب می‌آمد. مباحثات عمدتاً حول نظرات ارائه‌شده توسط الگوهای رسمی انتخاب بودند. رویکردهای غیراقتصادی مبتنی بر یک چارچوب تحلیلی روابط بین‌المللی می‌توانند دید مهمی نسبت به این سؤال داشته باشند که چرا نهادهای رسمی (سازمان‌های بین‌المللی) در تجارت بین‌المللی یک مسأله و موضوع هستند.

### ۱-۳-۲-۱) فقدان نسبی پژوهش در زمینه سازمان‌های بین‌المللی

پژوهش‌های مربوط به روابط بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی از منظر فلسفه وجودی و کارکرد آنها به نحو شگفت‌انگیزی محدود و اندک می‌باشند. در سال‌های نخست پس از جنگ، سازمان‌های بین‌المللی (از قبیل سازمان ملل متحد) در کانون توجهات دانشگاهی قرار داشتند. کارهای اولیه در زمینه سازمان‌های بین‌المللی به نحو گسترده‌ای حقوقی بودند (Abbott and Snidal, 1998). اما به‌رحال، براساس چالش‌های پیش‌روی سازمان‌های بین‌المللی در جنگ سرد، پژوهشگران تدریجاً علاقه خود را نسبت به مطالعه آنها از دست دادند. شکاف بین سیاست‌های بین‌المللی و سازمان‌های رسمی به شکلی آغاز شد که به آسانی قابل ترمیم نبود (Simmons and Martin, 2002).

طراحی سازمانی و سایر نگرش‌های رسمی نمی‌توانست توضیح دهد که سازمان‌های بین‌المللی واقعاً چه چیزی هستند. واضح بود که سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران اصلی در بازی حاکمیت بین‌المللی نبودند (Kratochwil and Ruggie, 1986). با این اوصاف، جریان و روند روابط بین‌المللی به سمت رفتار روابط بین‌المللی - نظریه رژیم‌ها - تغییر مسیر داد و به بی‌توجهی به مسائل سازمانی متمایل شد.<sup>۱</sup> بی‌توجهی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی به عنوان عوامل تغییر با تأکید بر قواعد، هنجارها و ارزش‌ها به عنوان متغیرهای اصلی مطالعه منتهی شد (Abbott and Snidal, 1998). سئوالات به طور کامل در پیرامون شکل و ساختار نهادی (نظریه رژیم‌ها) بررسی شدند (Young, 1994; Koremenos et al., 2001; Morrow, 1994). به همین خاطر موضوعاتی نظیر این که چرا موضوع سازمان‌های بین‌المللی از اشکال جایگزین سازمان از قبیل همکاری غیرمتمرکز، اتحادیه‌ها، مشاوره‌های غیررسمی و قراردادهای موقتی و قواعد معاهداتی کنار گذاشته شده‌اند، توجه کمتری را به خود جلب کرده است. به نظر آبت و اسنیدال (Abbott and Snidal, 1998) «به شکل شگفت‌انگیزی مکاتب معاصر بین‌المللی هیچ نوع پاسخ نظری واضحی نسبت به چنین سئوالاتی ندارند». جابجایی رژیم‌ها مبین تلاشی برای چارچوب‌بندی نظری حاکمیت بین‌المللی به شکل گسترده‌تری جدای از موضوعات فنی طراحی و سازمان بود. در طی جنگ سرد و تداوم عدم تمایل هژمونی ایالات متحده آمریکا، نظریه‌پردازان رژیم‌ها در صدد تشریح و توضیح این امر برآمدند که چرا دولت‌ها به دنبال یافتن انگیزه‌هایی برای همکاری هستند. تعریف کراسنر (Krasner, 1983) از رژیم عبارت است از «قواعد، هنجارها، اصول و شیوه‌هایی است که بر انتظارات مرتبط با رفتار بین‌المللی تمرکز دارد» که یک تعریف اصولی و فراگیر است، ولی قابلیت اعمال ندارد. از اینرو، استادان دانشگاهی

۱- البته نباید گفت که کار علمی در زمینه سازمان‌های بین‌المللی در عصر جنگ سرد و بعد از آن صورت نگرفته است. کار کاکس و یاکوبسن در دهه ۷۰ میلادی (مثلاً Cox and Jacobson, 1973) مثال خوبی است که سازمان‌های بین‌المللی موضوع برخی از پژوهش‌های جدی در طول دوران بعد از جنگ جهانی دوم بوده است.



که به مطالعه در زمینه «نهاد» پرداختند درصدد توضیح کامل‌تری از این موضوع بودند که قواعد همکاری چگونه بر رفتار دولت(ها) تأثیر می‌گذارد. بر این اساس، مکاتب مختلف فکری روابط بین‌الملل «نهادها» را به شیوه‌هایی که متناسب با برنامه و شیوه پژوهشی آنها بود تعریف کردند (Simmons and Martin, 2002). از منظر نظریه‌های معاصر روابط بین‌الملل که در بخش ب (۳) بررسی شد، واقع‌گرایان و نواقع‌گرایان تأیید می‌کنند که دولت‌ها گاهی اوقات از طریق نهادها فعالیت می‌کنند، ولی سازمان‌های بین‌المللی اساساً به‌عنوان «حوزه‌های اقدام روابط و مبتنی بر قدرت» می‌باشند. این قدرتمندترین دولت‌ها در نظام هستند که نهادها را ایجاد می‌کنند و آنها را شکل می‌دهند تا این که بتوانند سهم آنها از قدرت جهانی را حفظ نموده یا حتی افزایش دهند (Carr, 1964: 189). سازمان‌های بین‌المللی ابزارهایی در دست‌ان کشورها قدرتمند هستند و تأثیر کمی بر رفتار دولت‌ها دارند (Mearsheimer, 1994). در این چارچوب تحلیلی، مطالعه سازمان‌های بین‌المللی به عنوان بازیگران مستقل دارای هدف و تأثیرگذاری، تا حدی بیهوده و بی‌ثمر به نظر می‌رسد. دقیق‌ترین بخش نظرات نواقع‌گرایان در مورد سازمان‌های بین‌المللی توسط نظریه‌پردازانی ارائه شد که حامی ثبات مبتنی بر سیطره بودند. آنها مدعی هستند که سازمان‌های بین‌المللی آگاهانه توسط قدرت‌های غالب در طی ادوار هژمونی تأسیس می‌شوند. به منظور نشان دادن به سایر ملت‌ها که هژمون (قدرت برتر - ابر قدرت) از نهاد به طور فرصت‌طلبانه سوءاستفاده نمی‌کند و هژمون (قدرت برتر) باید به سازمان بین‌المللی میزان مشخصی از اختیارات را بدهد. تعریف «نهادها» که مورد حمایت نظریه ثبات مبتنی بر سیطره است مفهومی گسترده است، ولی می‌تواند هر چیزی را از ایجاد نظم اقتصاد آزاد گرفته تا انعقاد یک معاهده را در بر بگیرد. علاوه بر این، این امر کاملاً مشخص نیست که سازمان بین‌المللی می‌تواند چه کارکردهایی را بپذیرد که هژمون مشخصاً نمی‌تواند آن را انجام دهد.

مکتب نهادگرایی نولیبرال توجه اندکی به سازمان‌های بین‌المللی دارد (Simmons and Martin, 2002). همکاری در این قالب نتیجه یک قرارداد منطقی بین دول حاکم است. نهادها-که به عنوان مجموعه به هم پیوسته و مرتبط قواعد شناخته می‌شوند که نقش‌های رفتاری و فعالیت‌های بازدارنده و شکل‌دهی انتظارات را توصیف می‌کنند (Keohane 1989: 3) راه‌حلی برای مشکلات اقدام جمعی به حساب می‌آیند. این رویکرد نسبت به سازمان‌های بین‌المللی مشابه نواقع‌گرایی است؛ به همین دلیل نهادهای کارکردی نقش منفعلانه‌ای بازی می‌کنند. برای تسهیل تعامل، آنها می‌توانند هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهند و باعث بهبود اطلاعات و هزینه‌های نقض قواعد و تخلف را افزایش دهند. چنین شناخت کارکردی از نهادها به عنوان مکان همکاری (نه به عنوان بازیگر) هر نوع اقدام عملیاتی ملموس را برای سازمان‌های بین‌المللی منع می‌سازد که می‌تواند محرک و انگیزه ایجاد آنها در چارچوب مقررات نظارتی، داوری یا اطلاعاتی باشد (Glaser, 1995). از منظر نهادگرایان نولیبرال، سازمان‌های بین‌المللی

چیزی به غیر از ترتیبات همکاری تسهیل شده بین دولت‌ها انجام نمی‌دهند. از سوی دیگر، نظریه سازه‌نگاری به سازمان‌های بین‌المللی نقش بزرگتری در همکاری بین‌المللی اعطاء می‌کند. همان‌طور که در بخش ب (۳) بیان شد سازه‌نگاران بر اولویت ساختار اجتماعی و پیچیدگی تعاملات تأکید دارند. از اینرو، به یک سازمان بین‌المللی به عنوان چیزی بیش از موضوعات صرفاً انتخابی نگریسته می‌شود. آنها هم بازتابی از فرآیندهای اجتماعی مستمر و نیز نظرات غالب و شرکت‌کنندگان در شکل‌دهی به آن فرآیندها و نظرات هستند. برای مثال، فینمور و سیکینک (Finnemore and Sikkink, 1998) سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان «نمایندگان اجتماعی توصیف می‌کنند که به دولت‌ها مفاهیم درون‌ذهنی را به شکل هنجارها و ارزش‌های مشترک و عام القاء می‌کنند. بنابراین، سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند هویت‌ها و منافع دولت‌ها را در نتیجه تعامل در طول زمان در پرتو مجموعه‌ای از قواعد تغییر دهند. علیرغم نقش فعالی که سازه‌نگاران به سازمان‌های بین‌المللی اعطاء می‌کنند، مدافعان این نظریه هنوز در وهله نخست در تشریح این امر که چرا سازمان‌های بین‌المللی توسط کشورها تأسیس می‌شوند با مشکل مواجه هستند.

سه نقص و کمبود در ادبیات مرتبط با بحث مشخص شده است که عبارتند از: نخست، شکل مدعی است که سازه‌نگاری از «تک‌علتی» رنج می‌برد؛ چرا که بر توصیف این امر که نظرات چگونه از نظام به دولت‌ها وارد می‌شود، نظر دارد (Simmons and Martin, 2002: 198). در حالی که، در ارتباط با سازوکارها و فرآیندهای ساخت اجتماعی فاقد توضیح است و بیش از حد تمرکز دارد. هیچ نوع نظریه صریحی در مورد این که (Checkel, 1998) چگونه نظرات و قواعد جدید در سازمان‌های بین‌المللی ادغام می‌شوند و چگونه برجسته و بارز شده و با عوامل مرتبط می‌شوند وجود ندارد. دوم این که، سازه‌نگاران تمایل دارند تا بر این تأثیر پافشاری نمایند که سازمان‌های بین‌المللی در مورد رفتار هر دولت بدون توضیح این که چرا دولت‌ها از نظر بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی را در وهله نخست (Kratochwil and Ruggie, 1986) ایجاد می‌کنند، بلا تکلیف هستند. سوم این که، سازه‌نگاران همچنین مایلند تا به بررسی این امر بپردازند که چرا سازمان‌های بین‌المللی ترتیبات خاصی برای انتشار قواعد هستند و به چه شیوه‌هایی در قالب نظام‌های گسترده‌تر قواعد و اصول از قبیل نظم اقتصاد آزاد بین‌المللی دوره پس از جنگ قرار گرفته‌اند (Ruggie, 1983).

جدیدترین روند و جریان ادبیات مربوط به روابط بین‌الملل مجدداً سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان عرصه ارزشمند مطالعه کشف کرده است که تأیید می‌نماید سازمان‌های بین‌المللی عوامل مهمی در حیات بین‌المللی هستند که به شکل بنیادین در پیامدهای منحصر به فرد همکاری نقش دارند. پژوهش‌های معاصر تلاش آگاهانه‌ای برای از بین بردن شکاف‌های قدیمی

که مشخصه نظریه روابط بین‌الملل در گذشته بوده‌اند، آغاز کرده است. ضمن تلاش برای ترکیب عقل‌گرایان (از جمله نوواقع‌گرایان) و رویکرد سازه‌نگاری، رویکردهای اخیر مدعی هستند که دولت‌ها آگاهانه از سازمان‌های بین‌المللی برای کاهش هزینه‌های معاملاتی، تقویت کارایی و فراهم نمودن زمینه همکاری و نظارت بر قواعد بازی و دولت‌های بازیگر استفاده می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی همچنین نظرات یا قواعد و انتظاراتی ایجاد می‌کنند که باعث تعمیق و تقویت اهداف دنبال شده توسط ترتیبات اولیه می‌شود (Abbott and Snidal, 1998, Thompson and Snidal, 2005) و آشکارا در جنبه‌ها و ابعاد مهم با تحلیل‌های سیاست اقتصادی از نوع فوق‌الذکر همپوشانی دارد.

### ۲-۳-۱) نقش سازمان‌های تجاری بین‌المللی: مدیریت رژیم‌ها

نقطه آغاز تحلیلی برای بررسی همکاری‌ها این فرض است که ماهیت قرارداد پیچیده است و منبع بالقوه تعارض می‌باشد. علیرغم تبادل یک نگرش عام و مشترک از این که چرا انعقاد قرارداد در راستای منافع همه امضاءکنندگان است، طرفین مذاکره‌کننده غالباً اولویت‌های ناهمگنی دارند. کشورهای گوناگون بنا به دلایل متفاوتی با یکدیگر همکاری می‌کنند. همکاری تجاری بالاخص یک «بازی پیچیده بانگیزه» است. ولی حتی زمانی که دولت‌ها انگیزش‌های مشابهی مبادله می‌کنند، بحث در زمینه توزیع دستاوردها و درآمدها تا حدی مطرح می‌شود. به عنوان نتیجه‌گیری، اگرچه هر طرف می‌داند که همکاری مناسب‌تر است، اما جزئیات مختلف همکاری منوط به مخالفت است. این امر باعث افزایش تعارضات بالقوه و محرک‌هایی برای گریز موقتی از موافقتنامه می‌شود. همچنین در اغلب موارد عدم قطعیت چشمگیری در ارتباط با آینده وجود دارد، قراردادها ضرورتاً ناقص هستند و هزینه‌های معاملاتی غیرقابل اجتناب می‌باشند. به منظور رسیدگی به این چالش‌های قراردادی، دولت‌ها سریعاً سازمان‌های تجاری بین‌المللی را تأسیس می‌کنند. وظیفه اصلی سازمان، مدیریت رژیم تجارت بین‌المللی است که باعث تقویت و بسط کارایی و مشروعیت اقدامات جمعی می‌شود.<sup>۱</sup> مدیریت رژیم می‌تواند به کارکردهای مختلفی تقسیم شود.

### ۱-۲-۳-۲-۱) همکاری واسطه‌ای بین شرکای نامتجانس

تامسون و اسنیدال (Thompson and Snidal, 2005) معتقدند که وظیفه مهم سازمان‌های بین‌المللی «مدیریت و اثبات نمودن شیوه تعادل و موازنه است». نگرش اصلی این است که در یک قرارداد پیچیده،

۱ - توجه نمایید که شکل سازمانی و وظایف محوله به هر یک از رژیم‌های تجاری می‌تواند براساس ماهیت، هویت و سطح جاه‌طلبی طرف‌های همکار تفاوت داشته باشد.

اولویت‌های نامتجانس امضاء کنندگان به شکل غیر قابل اجتنابی منتهی به مخالفت در زمینه موضوعات توزیعی می‌شود. اگرچه طرفین می‌دانند که همکاری عموماً باعث بهبود رفاه می‌شود، ولی آنها در رضایت دادن به یک پیامد خاص ناتوان هستند. مخالفت تا حدی بر اساس تعداد طرفین و موضوعات تحت‌مذاکره و با پیچیدگی قرارداد افزایش می‌یابد. به منظور پرهیز از چانه‌زنی‌های بی‌پایان یا حتی یک مانع در روند مذاکرات، امضاء کنندگان اختیار را به یک سازمان بیطرف می‌دهند تا یک پیامد متضمن بهبود رفاه را انتخاب کند (Fearon, 1998). این موازنه در همکاری، پیامدی است که در منافع جمعی وجود دارد و برای هر طرف به شکل متقابل قابل قبول است.

در مطالب زیر توضیحات فنی بیشتری در خصوص نقش نهاد در حفظ تعادل و موازنه ارائه می‌شود. پیش شرط چنین مشارکتی از جانب یک سازمان بین‌المللی این است که آن حاوی میزان مشخصی از اختیار باشد. به سازمان بین‌المللی باید به عنوان یک موجودیت بیطرف که توانایی بیان منافع جمعی طرفین را دارد نگریست (Thompson and Snidal, 2005: 12). سازمان بین‌المللی در هنگام واسطه‌گری میان اولویت‌های ناهمگن غالباً از راهبردهایی از قبیل پیوند موضوعی، تعیین دستور کار، رأی‌گیری، گردآوری و انتشار اطلاعات و حمایت‌های ارتباطی مستمر توسط کارکنان متخصص و معرب خود استفاده می‌کند. موافقتنامه‌های تجاری معمولاً «عضو-محور» هستند که بدین معناست که تصمیمات مهم توسط طرفین به عنوان یک کل اتخاذ می‌شود. در مورد سازمان جهانی تجارت، تامسون و اسنیدال (Thompson and Snidal, 2005: 20) یادآور می‌شوند که «سازمان جهانی تجارت به عنوان یک سازمان تحت سیطره دول عضو قرار دارد و دارای یک دیوانسالاری ضعیف با اختیار تعیین دستورکار و منابع می‌باشد».

#### ۲-۲-۳-۲) مدیریت فعالیت‌های بنیادین (ماهوی) در طول زمان

اگرچه چانه‌زنی‌های اولیه در همکاری‌های تجاری توسط خود دولت‌ها صورت می‌گیرد، ولی این فعالیت‌ها جزئی از رژیم است که آنها را در اوضاع و احوال خاص اجرایی می‌سازد. سازمان بین‌المللی غالباً مجاز به پذیرش مسئولیت کارکرد توافقات بین‌دولتی است. بنابراین، سازمان‌های بین‌المللی پیش از این که نقش واسطه را در پیشرفت مذاکرات داشته باشند، نقش خود را در زمینه مدیریت رژیم به شیوه‌ای آرام و مستمر ایفاء می‌کنند. مدیریت یک رژیم غالباً به معنای اجرای موازنه و تعادل سازنده ایجاد شده توسط موافقتنامه در طول

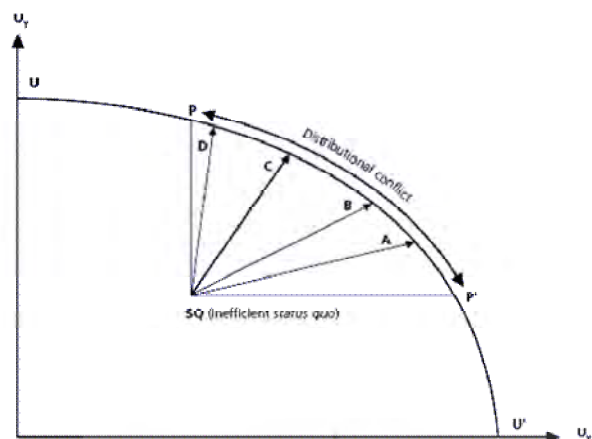
۱- «محول نمودن چنین موضوعات ساده‌ای به سازمان بین‌المللی به مراتب از مذاکره مستقیم کارآمدتر است؛ چرا که هزینه چانه‌زنی بین‌الدولی در مقایسه با منافع بالقوه کاهش می‌یابد». رک. به:

زمان است.<sup>۱</sup> یک سازمان بین‌المللی حافظ مهم قواعد است و بر شیوه وابستگی موافقتنامه کنترل و نظارت دارد (Thompson and Snidal, 2005: 13). اقدامات سازمان‌های بین‌المللی منعکس‌کننده تلاشی برای تفسیر تعادل و توازن همکاری جمعی است. در مقابل، اطلاعات حیاتی برای طرفین در خصوص این که چگونه از آنها انتظار می‌رود تا بر اساس تعادل و موازنه همکاری منطبق شوند انتظارات مبادله‌شده را ایجاد و حفظ می‌کند. به این ترتیب، مدیریت قواعد یک سازمان بین‌المللی در خصوص چگونگی و نحوه رفتار و تعامل طرفین به ارائه بازخورد منجر می‌شود.

### ۳-۲-۳-۲-۱ نقش سازمان‌های بین‌المللی در نیل به شیوه توازن (اقتصادی)

به منظور نشان دادن این که سازمان‌های بین‌المللی چگونه می‌توانند به طرفین مذاکره‌کننده برای نیل به شیوه‌ای متعادل در یک مجموعه همکار کمک نمایند، به نمودار ذیل نگاه کنید. در آنجا، مطلوبیت دو کشور ( $y$  و  $x$ ) بر روی محورهای  $Ux$  و  $Vy$  ترسیم شده است. هر دو کشور تأیید می‌کنند که وضعیت عدم همکاری موجود (نقطه SQ) غیر کارآمد است و این که آنها می‌توانند رفاه خود را با همکاری بهبود بخشند. فرض کنید طرفین جزئیات قرارداد را که منحنی است می‌دانند (مکان همه قراردادهای کارآمد). هر نقطه بر روی بخش  $PP'$  (معادل با یک نتیجه منحصر به فرد همکاری) به‌طور متقابل باعث بهبود رفاه می‌شود، چرا که هر بازیگر بدون بدتر کردن وضعیت دیگری در موضع بهتری قرار دارد. راه‌حل‌های موجود بین  $P$  و  $P'$  در اساس برای هر دو طرف قابل قبول است. اگرچه طرف  $X$  تا آنجا که به  $P$  مربوط است موافقتنامه را ترجیح می‌دهد، ولی رفاه طرف  $Y$ ، نقطه موافقتنامه را تا حدی بیش از آنچه که هست افزایش می‌دهد (ترجیحاً نقطه  $P$ ). با وجود توازن چند بعدی، دوطرف در خصوص این که کدام نتیجه همکاری خاص باید اتخاذ و انتخاب شود (به طور خلاصه و به شکل نقاط  $A, B, C$  و  $D$  مشخص شده است) به توافق نرسیده‌اند. چانه‌زنی بر سر این اختلاف توزیعی می‌تواند در طول زمان ادامه یابد که باعث از بین رفتن منافع حاصل از همکاری شده و سایر منابع را محدود می‌سازد. چشم‌انداز هزینه‌های چانه‌زنی‌های مهم و حتی تفکیک احتمالی مذاکرات نیاز به یک سازمان بین‌المللی را پدیدار می‌سازد. دولت‌های متعاقد در زمینه اعطای اختیار تصمیم‌گیری در مورد تعیین یک نتیجه حاوی بهبود وضعیت به یک طرف ثالث بیطرف تصمیم می‌گیرند. سازمان بین‌المللی موازنه‌ای را پیشنهاد می‌کند (در این مورد نقطه  $C$ ) که به‌عنوان پیامد و نتیجه اصلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

۱- به این دلیل که موافقتنامه تجاری نمی‌تواند در مورد همه جزئیات شفاف و صریح باشد، وظایف یک سازمان بین‌المللی ممکن است نوعاً شامل بیان جزئیات موافقتنامه از قبیل تحولات رژیم، تفسیر و اجرای قواعد آن در زمانی که موضوعات خاص غیر واضح هستند (تبيين نوع رفتاری که مجاز است) رسیدگی به وضعیت‌های پیش‌بینی نشده یا توجه به موضوعات جدیدی که طرح می‌شوند، صورت می‌گیرد.



توجه داشته باشید که این نمودار تا حد زیادی حاوی یک طرح کلی است و حاوی دو بازیگر است که کاملاً نسبت به جزئیات همکاری خود آگاه هستند. در صورتی که بازیگران متعدد، مذاکرات در حوزه موضوعات چند بعدی و یک محیط به شدت پویا مورد بررسی قرار گیرند، بر نقش این سازمان بین‌المللی به عنوان یک تعیین‌کننده توازن بیش از حد تأکید می‌شود. بر اساس آن شرایط تعداد جایگزین‌های محتمل همکاری افزایش می‌یابد. ضمناً پیچیدگی در حال رشد و حذف اولویت‌های طرف منجر به قطعیت کمتری می‌شود - بسیاری از کشورها قادر به مراقبت از حدود بهبود وضعیت نخواهند بود. تمامی این موارد منجر به عدم توافق (مخالفت) بیشتری بین طرفین خواهد شد.

بنابراین، در وضعیت‌های موازنه چندبعدی و قواعد ناهمگن و چندوجهی، امضاءکنندگان در ایجاد یک نهاد که وظیفه آن حمایت از نیل به حدود بهبود وضعیت است دارای منفعت هستند (یعنی این که هیچ طرفی فرآیند را به سرقت نمی‌برد یا این که هیچ یک از جزئیات مهم نادیده گرفته نمی‌شوند) و این که آن دسته از جایگزین‌های همکاری را که به شدت منعکس‌کننده نفع جمعی است پیشنهاد می‌کنند. اگر فرآیند انجام چنین کاری بیطرفانه، منصفانه و مشروع فرض شود، نتیجه پیشنهادی در کانون توجه قرار خواهد گرفت و توازن بهبود رفاهی اتخاذ و اعمال می‌گردد. حتی اگر برخی از دولت‌ها در یک بعد از قرارداد شکست بخورند و با ناکامی مواجه شوند، در صورتی که در انتظار کسب منافع کلی از نتایج باشند، هنوز از همکاری حمایت خواهند نمود.

#### ۲-۲-۳-۲-۴) همکاری‌های متمرکز (حمایت از رژیم)

نقش دیگر سازمان‌های بین‌المللی عبارت از تمرکز بر اقدامات و فعالیت‌های جمعی از طریق یک ساختار مستحکم و ثابت سازمانی و ابزار حمایتی اداری - اجرایی است (Snidal 1998). همان‌طور که در بخش بالایی نشان داده شد، دولت‌ها (Koremenos et al. 2001, Abbott and

اختیاراتی با هدف مقرون به صرفه نمودن هزینه‌های معاملاتی و افزایش کارایی عمومی به سازمان بین‌المللی تفویض می‌کنند. هر زمان که دولت‌ها منابع را تأمین نمایند سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به شکلی کارآمدتر کیفیت و جریان اطلاعات را بهبود بخشند، تحقیقات و کمک‌های فنی ارائه نمایند. حمایت از رژیم به نحو گسترده‌ای یک نقش منفعلانه برای یک سازمان بین‌المللی به حساب می‌آید. اما به هر حال، تلاش‌های تمرکزگرایانه نیز می‌تواند «باعث تقویت و بسط توانایی سازمان برای تأثیرگذاری بر شناخت، محیط و منافع دولت‌ها شود» (Abbott and Snidal, 1998: 5).

#### ۵-۲-۳-۱) نظارت و حفظ موازنه

همان‌طور که در بخش فوق ذکر گردید، نقش مهم مدیریت رژیم سازمان بین‌المللی حاوی فیصله اختلافات و نظارت بر سیاست‌های تجاری طرفین است. آنها وظایف مهمی در حفظ یک موازنه همکاری ایستا به حساب می‌آیند. هر زمان که شرایط غیرقابل پیش‌بینی مستلزم تفسیر مجدد قرارداد است و این که خلاءهایی به دلیل نبود چانه‌زنی مرضی‌الطرفین یا زمانی که ابهامات متنی باعث بروز اختلاف بین طرفین می‌شود، به سازمان بین‌المللی یک موازنه ساختارمدار محول می‌گردد (حداقل به طور موقت). سازمان بین‌المللی به‌عنوان یک داور و رکن فیصله اختلافات باعث محدودیت قدرت دولت نمی‌شود، ولی مرکزی را ایجاد می‌کند که رفتار طرفین را تا زمانی که (مادامی که) موضوع در یک مجمع بین‌الدولی فیصله یابد، هدایت می‌کند. سازمان بین‌المللی در راستای ایفای این کارکرد، توسط روح جمعی (هدف موافقتنامه) و التزام به وظایفش هدایت می‌شود. نقش آن حمایت از دولت‌های ضعیف‌تر، کاهش آثار رفتار آن دسته از بازیگرانی که تهدید به آسیب‌رسانی به منافع جمعی می‌کنند و حفاظت از رعایت قواعد نظام حقوق بین‌الملل می‌باشد. نظارت بر سیاست‌های دولت جنبه مهم دیگری از نظارت بر شیوه موازنه می‌باشد. نبود قدرت‌های اجرایی اساساً حاوی ایجاد و انتشار اطلاعات می‌باشد. درک سازمان بین‌المللی به عنوان یک رکن بیطرف برای استقلال آن اساسی است (Milgrom et al., 1990; Greif et al., 1994). اگر این چنین استنباط شود که سازمان بین‌المللی تحت سیطره یک یا چند طرف قرار دارد، اعتبار آن به عنوان یک منبع موثق و معتبر اطلاعاتی و قضاوت در منظر سایر طرف‌ها کاهش می‌یابد.

#### ۶-۲-۳-۱) تکامل رژیم

دیدگاه مهم نظریه سازهانگاران (اگرچه مناقشه‌برانگیز است) این است که از طریق توسعه و بسط توانایی‌های خاص و کانال‌های ارتباطی، سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند بر دستور کار و اهداف تأثیر بگذارند (Cohen et al, 1972; Cyert and March, 1963). به سازمان‌ها گفته می‌شود تا به عنوان «موجدان معنا و هویت‌ها» (Olsen, 1997) شناخت، گفت‌وگو، قواعد و ارزش‌های بین‌المللی وضع

نمایند (Finnemore, 1996; Finnemore and Sikkink, 2001). مهم است تأکید شود که اعطای وظیفه شکل دهی و تکامل شیوه توازن و تعادل به سازمان‌های بین‌المللی به شیوه‌ای که مطابق با منافع جمعی باشد، یک انتخاب عامدانه توسط دولت‌هاست. تکامل رژیم یک دفعه روی نمی‌دهد، بلکه با روابط مدیر-کارمند و منافع عضویت پیوند دارد (Abbott and Snidal, 1998: 25). همان‌طور که آبوت و اسنیدال بیان کردند «ایجاد و توسعه سازمان‌های بین‌المللی غالباً مبین تصمیمات عامدانه دولت‌ها برای تغییر محیطی است که با هم‌دیگر آن را ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند بر منافع و ارزش‌های دولت‌ها به شیوه‌هایی که کاملاً قابل پیش‌بینی نیستند تأثیر بگذارند. باید بر این موضوع تأکید کرد که این فرآیندها توسط دولت‌ها آغاز و شکل داده می‌شود و توسط آیین کاری نهادی محدود می‌شوند. تکامل یک رژیم معمولاً به دنبال اهداف همکاری عمیق صورت می‌گیرد. در این ارتباط، سازمان بین‌المللی تلاش‌هایی را برای اصلاح قالب سیاسی، مقرراتی و فکری تعاملات بین‌دولتی انجام می‌دهد. کانال‌های تأثیرگذاری معمولاً مداخله شخصی مقامات سازمان بین‌المللی (به عنوان میانجیگران مذاکرات و اعضای اصلی جوامع که هدفشان انتقال نظرات جدید هستند)، کمک‌های فنی، گردآوری و خلق دانش و اطلاعات و پژوهش می‌باشد»<sup>۱</sup>.

### ۳-۲-۱) موضوعات نظارت - تعادل بین اختیارات و نظارت

سهامداران شرکت‌ها مرتباً اختیار زیادی را به مدیریت خود اعطاء می‌نمایند. مدیران این استقلال و اختیار را تحت نظارت مالکیت شرکت اعمال می‌کنند. چنین موردی در خصوص سازمان‌های بین‌المللی صادق است (Thompson and Snidal, 2005). همان‌طور که دیده‌ایم، دولت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی یکسری استقلال و اختیارات اعطاء و تفویض می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد تا به سطوحی از همکاری نائل شوند که می‌تواند در مقابل به دلیل تعارضات توزیعی میان آنها غیرقابل حصول باشد.

سؤالی که برای امضاء کنندگان یک موافقتنامه تجاری طرح می‌شود این است که چه میزان از استقلال و اختیارات باید به سازمان بین‌المللی (فرضی) اعطاء شود و چه میزان نظارت باید توسط طرفین یا اعضاء به طور کل وجود داشته باشد. دولت‌ها تمایلی نسبت به دادن اختیار و استقلال زیاد به سازمان‌های بین‌المللی ندارند؛ چرا که این کار موجب ایجاد هزینه‌های حاکمیتی می‌شود (Ibid.: 16). نظارت بیشتر افراد به معنای فداکردن معنای جمعی است. نظارت‌های قوی انفرادی منافع کمتری از استقلال و اختیارات را برای سازمان بین‌المللی ایجاد می‌کند-سازمان بین‌المللی نمی‌تواند به اهدافی که در وهله نخست بر اساس آن تأسیس شده است، نائل شود. به علاوه، نظارت‌های انفرادی می‌تواند منجر به بروز واکنش‌های خصمانه از جانب اعضایی شود که اعتماد

۱ - مشروعیت سازمان بین‌المللی به عنوان مدیر تکامل رژیم ناشی از گستردگی، بیطرفی و صلاحیت فنی است.



کمتری به سازمان بین‌المللی دارند. در مقابل، نظارت جمعی سختگیرانه‌تر<sup>۱</sup> به معنای هزینه‌های بیشتر حاکمیتی برای اعضای به دلیل تصمیمات حداکثری و فرآیندهای تصمیم‌گیری است (اصل مسأله اقدام جمعی که محرک ایجاد سازمان بین‌المللی در گام نخست است). به‌طور خلاصه، یک کشور هرگز نمی‌تواند همزمان از منافع استقلال سازمان بین‌المللی و اعمال سطوح مجاب‌کننده نظارت بهره‌مند شود. از اینرو، یک موافقتنامه تجاری همواره براینند یک تعادل ظریف میان منافع فردی، جمعی و توزیعی کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت می‌باشد.

آیا این بدان معناست که مسأله «خیزش مأموریت» یعنی تکامل بدون بررسی سازمان بین‌المللی در حوزه‌های پیش‌بینی نشده و ناخواسته، غیرقابل اجتناب است یا خیر (Barnett and Finnemore, 2004). دو عامل مهم یعنی استقلال و اختیار، سازمان بین‌المللی را در قالب حدود معقول نگه می‌دارد. نخست، سازوکارهای نظارتی جمعی و منافع اکثریت می‌تواند مشکلات را مورد توجه قرار دهد. دوم، استقلال و اختیارات سازمان بین‌المللی به‌طور طبیعی به‌واسطه نیاز به حفظ تعادل همکاری با اطمینان از این که هیچ طرفی مایل به خروج از نهاد نیست محدود می‌شود.

### ۱-۳-۲-۱) آیا سازمان جهانی تجارت یک کالای عمومی است؟

گاهی اوقات ادعا می‌شود که منافع ایجاد و بودن یک موافقتنامه تجاری برای آن دسته از کشورهای است که هرگز در طراحی و شکل‌گیری جزئیات موافقتنامه‌های تجاری مشارکت نداشته‌اند و سازمان جهانی تجارت به عنوان مثال غالب یک موافقتنامه تجاری چندجانبه، یک کالای خوب برای جامعه بین‌المللی فراهم می‌سازد. کالاهای عمومی معمولاً به عنوان مواردی که در دو ویژگی در مصرف و عدم انحصار سهیم هستند، تعریف می‌شوند.<sup>۲</sup> از آنجا که سازمان جهانی تجارت به عنوان یک معاهده انحصاراً نسبت به اعضای اعمال و اجرا می‌شود (و از اینرو واجد خصیصه انحصاری است) می‌تواند بر مباحثه در زمینه این که آیا سازمان جهانی تجارت کلپ (باشگاه) کالاهای همسان است یا خیر تمرکز کند.<sup>۳</sup> رابرت استیجر (Robert Staiger, 2004) مدعی است که ایجاد و حفظ سازمان جهانی تجارت دارای خصیصه کالای عمومی جهانی است، ولی استفاده از آن توسط دولت‌های عضو نیازی

۱- سازوکارهای نظارت جمعی عبارتند از ارکان ناظر، قواعد رأی‌گیری، نظارت بودجه‌ای یا نظارت مدیریتی (مثلاً، انتخاب بهترین دیوان سالاران).

۲- غیررقابتی بدین معناست که مصرف کالا توسط یک فرد حجم کالای موجود برای مصرف سایرین را کاهش نمی‌دهد. غیرقابل استثناء بدین معناست که نمی‌توان افراد را از مصرف کالا منع کرد. هوای تازه معمولاً به عنوان مثال یک کالای عمومی (خالص و ناب) به کار برده می‌شود. در راستای پویایی اقدام جمعی و شکست بازار، کالاهای عمومی غالباً توسط جامعه به صورت یک کل ارائه می‌شود (مثلاً یک دولت).

۳- کالاهای باشگاهی در غیررقابتی بودن در استفاده و قابل استثناء بودن تعریف می‌شوند. (مثلاً، Aggarwal and Dupont, 1999). دسترسی به اینترنت مثال بارزی از کالای باشگاهی است. جهت اطمینان، با عضویت ۱۵۰ کشور (از ابتدای اول ژانویه ۲۰۰۷)، چرخه اعضای باشگاه از کشورهایی که خارج از آن هستند بیشتر است. این بدین معنا نیست که سازمان جهانی تجارت منافع غیرقابل استثنائی را تولید و ارائه نمی‌کند. این سازمان از طریق ترویج صلح جهانی، اعمال قانون یا ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در تجارت بین‌الملل منافی را به غیراعضاء ارائه می‌کند.

به بیان خصایص یک کالای عمومی جهانی ندارد. نظر این است که مسأله عمده اقدام جمعی در ایجاد و حفظ نهاد به عنوان یک مجمع مذاکراتی مؤثر برای دولت‌های عضو نهفته است. اما به هر حال، استفاده از مجمع مذاکراتی توسط اعضاء تا حدی یک کالای خصوصی است.<sup>۱</sup>

ادعای استیجر بر دو جنبه مهم و مرتبط با بحث کلی خصیصه کالای عمومی موافقتنامه تجاری تأکید دارد. نخست این که، نویسنده روشن می‌نماید که وی در قالب محدودیت‌های نظریه شرایط تجارت چنین ادعایی را طرح کرده است. دوم این که، استیجر بر تمایز بین منطق یک موافقتنامه (سازمان جهانی تجارت به عنوان مجمع همکاری / مذاکراتی) و منطق ایجاد یک سازمان تأکید و اصرار دارد. این امر دغدغه‌های اصلی مطروحه در بخش ب (بررسی منطق‌های متفاوت همکاری تجاری) و بخش ا.ج. (ارائه دلایل مربوط به وجود سازمان‌های رسمی تجاری) را به خوبی دربر دارد.

#### ۲-۳-۱-۲ همکاری تجاری به صورت یک باشگاه کالایی؟

پیشنهاد استیجر مبنی بر همکاری واقعی تجاری، کالای خصوصی‌ای که توسط دو یا چند کشور بزرگ مذاکره‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد، در مورد منطق شرایط تجارت موافقتنامه‌های تجاری صادق است که عمدتاً آزادسازی متقابل تعرفه‌ها را بررسی می‌کند. ولی آیا منطق مشابهی در حوزه‌های سازمان جهانی تجارت وجود دارد که حذف متقابل تعرفه‌ها از قبیل جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری و جنبه‌های تجاری سرمایه‌گذاری را مشخص و تبیین نمی‌نماید؟ اگر سازمان جهانی تجارت به عنوان یک ابزار تعهد قلمداد شود، هر عضو موافقتنامه تجاری می‌تواند تصمیمات سیاست تجاری داخلی را به معامله تجاری خارجی بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای مرتبط نماید. صرف نظر از جنبه‌های اقتصادی، بررسی منطق موافقتنامه تجاری از منظر ادبیات روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که منافع موافقتنامه همکاری تجاری چندجانبه می‌تواند بر همه اعضاء کنندگان تسری یابد (و حتی فراتر از عضویت) و مسأله این نیست که آنها در مذاکرات اولیه چقدر فعال بوده‌اند. اگر محرک‌هایی از قبیل گروه‌سازی، ترویج صلح، یا گسترش نظم جهانی تجارت آزاد به عنوان هسته اصلی تصمیمات همکاری لحاظ شود، سازمان جهانی تجارت را نمی‌توان یک کالای خصوصی فرض کرد. همچنین، همکاری تجاری به عنوان یک قانون اساسی جهانی به هدف نهادینه کردن یک نظم تجاری مبتنی بر قاعده حقوقی فرض شد (همان‌طور که مورد ادعای برخی علمای حقوقی است)، همچنین می‌تواند منافی را برای آن دسته از اعضای کوچک که نقش کمی در مذاکرات اولیه

۱- همان‌طور که در بخش ب بحث گردید، این بدان دلیل است که اعضای که از سازمان جهانی تجارت به عنوان مفری از معمای زندانی شرایط تجارت استفاده می‌کنند به شکل مؤثری می‌توانند کلیه منافع ناشی از مذاکرات خود را بومی نمایند. دو کشوری که بر اساس اصل تقابل در حال مذاکره کاهش‌های تعرفه‌ای غیر تبعیض‌آمیز می‌باشند، بهبود رقابتی بودن بخش‌های صادراتی مربوطه خود را که بهترین وضعیت را برای بهره‌برداری از دسترسی به بازار اضافی ارائه شده توسط شریک تجاری آزادسازی بازار خود دارا می‌باشند، مدیریت و تنظیم می‌نمایند.

داشته‌اند، دربر داشته باشد.

### ۳-۳-۲-۱) عضویت در سازمان به عنوان یک کالای باشگاهی؟

در چارچوب سازمان جهانی تجارت همه کشورهای امضاءکننده از حقوق عضویت مشابهی (از قبیل حق و تو بالقوه) برخوردارند و دارای دسترسی برابر به همه خدمات سازمان می‌باشند. دیدگاه علمی حقوقی مدعی بوده است که حقوق و تعهدات سازمان جهانی تجارت (که در قالب قواعد بیان شده است)<sup>۱</sup> به‌طور عام‌الشمول اعمال می‌شود؛ یعنی نسبت به کل اعضا (برای مثال: Pauwelyn, 2001). اصل عام‌الشمول بودن نسبت به تعهدات آزادسازی تجاری غیر تبعیض‌آمیز صرفاً نسبت به توصیه‌های هیأت رسیدگی به اختلاف یا اطلاعات و الزامات شفافیت کاربرد دارد و بین اعضا به‌طور کل و نه بین کشورهای بزرگ به‌طور دو جانبه اجراء می‌شود.<sup>۲</sup> از اینرو، احتمالاً منصفانه است بگوییم که همه اعضای سازمان جهانی تجارت از این مفهوم حقوقی سود می‌برند. در بخش پیشین تعداد زیادی از نقش‌هایی را که یک سازمان مستقل تجاری می‌تواند به اعضایش ارائه کند بررسی شد. سازمان در ارائه خدماتش (ضوابط اطلاعاتی، فیصله اختلافات، کمک‌های تجاری، تسهیل مذاکرات و غیره) نباید بین کشورها تبعیض قائل شود و بدین خاطر مبین یک کالای مشترک برای هر یک از اعضای سازمان جهانی تجارت می‌باشد. به عنوان نتیجه‌گیری، احتمالاً این امر صحیح است که سازمان جهانی تجارت به‌صورت یک مجمع مذاکراتی و سازمان بین‌المللی تجاری رسمی، یک کالای باشگاهی است که منافع عمده‌ای را حتی به آن دسته از اعضای که فعالانه در همه مذاکرات شرکت ندارند و هنوز در مورد آزادسازی تعرفه‌ای در ادوار متعدد مذاکراتی تعهدی نسپرده‌اند، ارائه می‌نماید.

### ۴-۲-۱) خلاصه: نقش نهادها

این بخش به موضوع مهمی در طرح معاهده یعنی این که چرا دولت‌های متعاهد موافقتنامه تجاری مرتباً از بخشی از حاکمیت خود صرف‌نظر می‌کنند و به یک نهاد اختیار و اولویت تصمیم‌گیری

۱- زیر بخش ۵-۲ در ذیل مهمترین قواعدی را که هر موافقتنامه تجاری باید لحاظ کند بررسی خواهد نمود.  
۲- برای مثال، همان‌طور که در زیر بخش ۵ در بالا نشان داده شده است، کشورهای دارای اقتصاد کوچک از شرط دولت‌کامله‌الوداد حتی اگرچه از نظر فنی نتواند قیمت جهانی را با رفتار آنان تغییر دهد سود خواهند برد. سایر مثال‌ها شامل ممنوعیت‌های استاندارد موانع غیر تعرفه‌ای (مثلاً موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی) یا مقررات مربوط به اطلاع‌رسانی و شفافیت هستند که به کارایی نظام تجاری در کل سود می‌رساند.

موضوع مهمی که از حوزه بحث ما خارج است، این می‌باشد که نهادها در زمانی که عقیده و باور فراگیر دولت‌های ملی به عنوان بازیگران واحد کاهش می‌یابد، چه نقش‌هایی را می‌پذیرند. برخی موجودیت‌های دولتی (بگوییم اجرایی) ممکن است در تلاش برای جلوگیری از فرار موجودیت‌های داخلی (بگوییم قوه مقننه) از تعهدات سابق خود، اختیار ویژه‌ای را به یک رکن خارجی (سازمان بین‌المللی) اعطاء نمایند. در این زمینه، ایده سازمان بین‌المللی به عنوان یک بازیگر واحد می‌تواند پذیرفته شود (Elsig, 2007). به‌طور کلی، استفاده از الگوهای عامل محورکه متضمن اصول چندگانه داخلی و عوامل نهادی چندگانه هستند، یک عرصه تعهدآور پژوهش در زمینه ماهیت و نقش‌های سازمان بین‌المللی است، مثلاً ر.ک. به:

- Hawkins et al., 2006; or Checkel, 2007

را اعطاء می‌کنند پرداخت. چه چیزی سازمان‌های تجاری رسمی را از ترتیبات جایگزین همیاری از قبیل همکاری غیر متمرکز، قرارداد غیر رسمی و موقتی جدا می‌کند؟ اگر ما فرض کنیم که کشورها به شکل برجسته‌ای موافقتنامه‌های تجاری را برای غلبه بر برونگرایی‌هایی سیاسی و اقتصادی فرامرزی منعقد می‌کنند، می‌توانیم با اطمینان نتیجه‌گیری کنیم که نهادها حداقل به چهار دلیل موضوع مهمی هستند.<sup>۱</sup>

نخست این‌که، نهادها زمینه‌ای برای همکاری تجاری فراهم می‌سازند. بحث رویکردهای غیراقتصادی نسبت به نهادها نشان داد که نهادهای رسمی تجاری می‌توانند نقش اساسی در ایجاد شرایط عمومی همکاری تجاری ایفاء کنند. نهادها می‌توانند روابط مسالمت‌آمیز میان کشورها را حفظ کنند و ایجاد هنجارها و ارزش‌های عام را طراحی کنند و در وهله نخست به کشورهای دارای اولویت‌های ناهمگن را در نیل به یک توازن همیاری کمک کنند. دوم این‌که، نهادها کارایی معاملاتی را افزایش می‌دهند. ایجاد یک رکن بیطرف اجرایی و ناظر بر روابط تجاری کارایی تجارت بین‌المللی را افزایش و بسط می‌دهد. خاطر نشان شد که نهادها می‌توانند به شکل بارزی هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهند و شفافیت را در ایجاد و انتشار اطلاعات برای عضویت بهبود بخشند. سوم این‌که، نهادها قواعد صریح بازی را اجرا می‌کنند. اگرچه هیچ نهاد اجرایی فراملی در تجارت بین‌المللی وجود ندارد، اما نهادها با وجود این می‌توانند به قواعد و آیین‌های مورد توافق قرارداد بهاء دهند. همچنین نهادها با مراقبت از آیین کار و چارچوب‌های زمانی، اطلاع دادن قبلی به طرفین در مورد نقض معاهده، تسهیل دعاوی تجاری، سازش، داوری و نظارت مستمر بر رعایت قواعد مصرح در معاهده، به‌طور اساسی می‌توانند قابلیت پیش‌بینی‌پذیری و ثبات نظم تجاری بین‌المللی را ارتقاء دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- موضوع مهمی که از حوزه بحث ما خارج است، این می‌باشد که نهادها در زمانی که عقیده و باور فراگیر دولت‌های ملی به عنوان بازیگران واحد کاهش می‌یابد، چه نقش‌هایی را می‌پذیرند. برخی موجودیت‌های دولتی (بگویییم اجرایی) ممکن است در تلاش برای جلوگیری از فرار موجودیت‌های داخلی (بگویییم قوه مقننه) از تعهدات سابق خود، اختیار ویژه‌ای را به یک رکن خارجی (سازمان بین‌المللی) اعطاء نمایند. در این زمینه، ایده سازمان بین‌المللی به عنوان یک بازیگر واحد می‌تواند پذیرفته شود (Elsig, 2007). به طور کلی، استفاده از الگوهای عامل - محور که متضمن اصول چندگانه داخلی و عوامل نهادی چندگانه هستند، یک عرصه تعهدآور پژوهش در زمینه ماهیت و نقش‌های سازمان بین‌المللی است؛ مثلاً ر.ک. به:

- Hawkins et al., 2006; or Checkel, 2007.